

# ۱۳ آبان

سال اول، شماره ۴، روشنیه، آذر (قیمت ۲ ریال)

## صفحات دیگر می خوانید:

- اخبار مبارزات دانش آموزی.
- هنر مقاومت (آخرین نامه).
- حکوی سیسته‌ها چه کسانی هستند.

## هرچه گستردگی دامبازات خدمیریالیستی خلقهای ایران



پنداشته کنندگان خلق دارای عمله کنند | سربازکد، سراسرجهن را، خلقهای اسلامی کنند  
گندار ازدهان خشمگین توده ها استخانی شونده

## چرا نحریم انقلابی

مبارزات توده عالی و نوین ماید، فریادهای مرگ برآمیزد، مرد برآمیرالیسم از هر سوطی افکنده است. هیبت حاکمه که من کوید چهره و رنگ پاکه خوش رایانهای خد امیرالیسم بیشتر با استفاده از جو موجود در صدر تحریم موقعیت خوبی باشیم قانون اساسی خبرگان برآیده است. غافل از اینکه حق اگر با استفاده از تهم توده های توائید از نسبت خوبی برای خیمه شب پاری خوش بدست آورده هرگز این درق پاره های خبرگان را توده ها در عالم به جزی خواهند گرفت و فرد است که او را خروشان و توفنده "خلق این قانون اساسی زندگان" و سرمهای داران بزرگ و مترجمین رایه زیاله دان تاریخ پرتاب کند.

تیرهای انقلابی و کوئیسته ای از همان ابتدا که بدون هیچ محتوا شخص رای به جمهوری اسلامی طرح نزدید، آنها که به جای مجلس موسعان مجلس ساختگان "خبرگان" طرح نزدید و نایابندگان (!) آن پا آتیان علیک هایی که حق ناظرینی که از طرف خود هیبت حاکمه فرستاده شده بودند مجبور به اختلاف بدان شدند و شکل جلساتی سرای تصویب قوانین از قبل آماده شده بدرواز نظرخواهی مردم پرداختند، چهره های واقعی این نایابندگان سرمایه داران و زیندان و درجهی را که با استفاده از تهم توده ها ظاهرایدست خود

پیغمبر صفحه ۷

## پژوهش جنبش دانش آموز رحمت پیکشان

در شماره ۲۰ شریه ۱۳ آبان "پکی از میانیں کمک اخصار ارگارش کنیم، سلطنه عدم پیوسته گسترده دانش آموزان جنوب شهر فرزندان رحمتگران (با جنبش دانش آموزی بود). این سلطنه به از نظر استحکام و پایداری این

## دانش آموزان رحمتگران

همچنان به زیر تازیانه  
ستم سرمايه داري  
وابسته



جامعه طبقاش، مهرنشین خوش راه هرجیز می کند، فرق نی کند زن، مرد، بیرون، جوان نکوند از بیانات محروم هم و هم تازیانه ستم برسیگران من نشیند. و درین میان، دانش آموزان رحمتگران پکی از نیایان تربیت چهره های ستم طیار را منتخار می سازند. امروز ۹ ماه پیش از قیام هنوز همین اس نظام نکشته اراده می باید، هنوز همین دانش

در صفحه ۲۷

# دانش آموزان رحمتکش، همچنان به زیر تازیانه ستم سرمایه داری وابسته

دشت، نه سال بائند، چه راهی پاپی است؟ نه بر کرده، خواهش زده‌اند زمان به صف این‌ها رحمتکش؟  
بیرونند. تاریخ اولیه اگرچویں شناسن بائند، در این زمان پدر و مادرش هنوز از کاربینتاده اند و آن بایهم کارمن نکند، اما چه ساکه از فرط بهره کنی و حتماً نه سرمایه را این پدر و مادر ناکویه هزار در گرفتار و زمینگشته است و در توجه ایضاع و وظیفه مشکل شری خواهد داشت.

البته پدر خانواره کمن که خود از کوکی، مزره ستم و رنج مرگیار جامعه طباقی را مایوس و کوشت چشمیده است، به همین‌جهه دلتنی خواهد کرد فرزش کارکرد، آرزو دارد که اوستاد تحصیل کند و غولی برای خودش آدمی بشوند. همین‌ها افرادی من دهد که در سخوانه ناکه مثل اونشود... اما چهره گرفتی خود را بیش از پیش نشان می‌دهند و هر روزی بالآخر فیلم فیلم نمی‌نمایند و می‌بینند که پایانی می‌ماند پایان این محابرات سی دری کارگران اند که کارمی باشند و این‌ها ای باف... نمی‌مانند، خانواره نیازی نمی‌کند که خود دارد، بدستو اور اسرار کاری ندارند...

رحمتکش به رحمتکشان افزوده می‌شود. امساً اینکه هر قرن دارد، همین‌ست از اونکه و در حال دری خواندن است.

صیه در صفحه ۴

شک است در چنین خانواره‌ای که بیوی هر کس باشد بازترین شرایط لقمه نانی فراهم می‌آورد بیکار نشست و درین حال ای گزینی شود؟

ید رکه کارمی کند ماهی حد اکثر ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ تومان کهایه خانسنه می‌گیرد. ماهی حد اقل ۷۰۰ تومان کهایه خانسنه نمی‌گیرد. این نوبت می‌گیرد هنوز از کارگردان نهاده ایشان است. سود جوشی هرچنان و دیوانه وارس مایه داران هم که سیگارانی تحمل ناید بر من شود، حتی اگر قریب تر قیمت

جای و قند و نان و ... اجتناس لازمی از این نوع را حساب کنیم در ماه حد اقل ۴۰۰ تومان باید برای آن کارگردان شود. گستاخ ماربلهای تیکاتیکه صیغه نزدیک با گذشته‌های غارت اینها بیشتر از این رایج است. این رایج سارامیبوی کند که کلاهش را از ضرری مان راکان و تزان ترا این خردباری شایم و همه این فشارها سرد و قشن خانواره‌های رحمتکش شغل می‌شود. تاریخ خوش بستان و کترون اروپا خانواره شرایط اقتصادی ناکوی خانواره‌ی، علت اصلی کارگردان این است. این داشت اینها را باز خانواره‌های کارگردان اند و باز خانواره‌های رهایشان و همچنان رحمتکش و کارگردان اند. این رایج است. این رایج کارگر خانواره که اینها از خانواره های کارگردان اند و باز خانواره های رهایشان و همچنان رحمتکش و کارگردان اند. خانواره ای که هیچگاه سیر نمی‌نماید، هیچگاه می‌خواهد ضرری ای فرآهم نماید، هیچگاه از این سرینه مطمئن بخوده از نماید. وقتی این شرایط رسیده، شرایطی که نظام علمیاتی سرمایه را دری وابسته می‌کند، که همیشه سریع نماید بروزی بالمسیش در اصل بیهوش می‌شود. اما با این‌جهه همچنان درگز و هشتگ است، هر رضو خانواره ناجا راست از همان کوکی، همان زمانی که دستوره رهایش می‌شود. این رسانه می‌رسد که کارهای اینها گون دهد. اخراج گونه

آموزشی که نفس ستم بوجهره شان اشکار است مجبورند برای ادامه تحصیل و برای سیرکردن شکم خود وحتی خانواره خود تن گلاره دهد و همچو... در این نوبت می‌گوشیم به بررسی علل اینجا... این داشت آموزان به کارگردان در زمان تحصیل، شرایط تحصیل و مشکلات طاقت فرسای اثاث و سیمه به وضع عنا بعد از خام ببرد ازین...

جز اکار طلاقت فرم او تحصیل باهم... داشت آموزشی که درین تحصیل به کارهم مشغول شد، همچو... از خانواره های رحمتکش و کارگردان اند که توجه ایمه شرایط زندگی شان، عمل کارگردان اثاث رایجلا می‌سازد...

شرایط اقتصادی ناکوی خانواره‌ی، علت اصلی کارگردان این است. این داشت اینها را باز خانواره های کارگردان اند و باز خانواره های رهایشان و همچنان رحمتکش و کارگردان اند. خانواره ای که هیچگاه سیر نمی‌نماید، هیچگاه از این

سرینه مطمئن بخوده از نماید. وقتی این شرایط رسیده، شرایطی که نظام علمیاتی سرمایه را دری وابسته می‌کند، که همیشه سریع نماید بروزی بالمسیش در اصل بیهوش می‌شود. اما با این‌جهه همچنان درگز و هشتگ است، هر رضو خانواره ناجا راست از همان کوکی، همان زمانی که دستوره رهایش می‌شود. این رسانه می‌رسد که کارهای اینها گون دهد. اخراج گونه

## ۱۳ آبان

## دانش آموزان زحمتکش ۰۰۰



ایندانی ترین کاری که بچن پای این داشت آموزان قرار می گردید خوده فروشن است . صبحها بر سر گشوده در کارخندگی و خواجه های کارخانه به فروختن بیسکویت ، آذاس ، شامس و ... می بردند . ولی این کارکه نمی تواند کافی خود خودشان را بددهد و آنانها اجباریه کارخانه هایی آورد . درین کارخانه های رسیدگی واعتدلی پشت دست نهاده بازیگران بیرون جوان ، زن و مرد ، در روز صادق و دو کارخانه شفقول کارپیشوند . کاری که خون و گشتستان را ببلعده و جبب سرتیپه ایان را وامبریا مستهار اینها کند .

**شکلات** داشت آموزان زحمتکریجیست ؟ پیشتر این پجه ها شباهه درس می خوانند و صبحها کارمی کنند ( بعضی هم صحیح به درس می روند و شبهه کارمی کنند ) آنها "کشرا" جمعه ای نیز کارمی کنند . سرکاری علت کمی من و نوارهای به حقوق خود تحت استمارشیده کارفرما و سرمایه دار قراردارند . کارفرمایه اند از اینها کارگرمه مولی از آنها کارمندند و هم اند از اینها حقوق میدهد . استمارشیده ساعت فرسودگی و خستگی زیار از جد آنها می گردد . بیل نهاد بعد تا عدهه خود آنهاست و با اکثر در کارخانه به آنها غذا میدهند . غذای سیراب و پوره بدماش است . کرامه و پفت و آند نیز و خرچه ای ازان دست نمیست از دستور دشان را بی بلطف و شهربه هم بارستکنیس انت برد و ششان . کتابهای درس آنان دست دوست و صفات زیاری این رفته اند . دستور زن چیزی هم خرج خانواره را تائیم نمی کند . بیماری بیول داود رطان هم لحظه ای او و خانواره اش را - تا من نمی نذار . بالبته شکلات ای بعد از کار به سرکلا س می برد .

در سرکلا من خسته و خواب الود چشم - کتاب پاره من د وزد . کلا سها شلوغ و اکرا . بتا نیز نفر دریک کلاس درس می خوانند . کلا سه از

ایندانی ترین امکنات آموزش محروم است ، همواره کمود معلم مثله معمولی مدارس فرزندان زحمتکشان در جنوب شهر شماری آید و کلا سهانی کمی پیشتر به بیفوله ها شنبه است ، محل درس خواندن آنها است برای درمان ماذن از سرمه دارد و درین مجهورند که پنجه های شکسته شده را بانایهون بسی بیوهانند و سرکلا س هشتره پیش هم نشینند . این داشت آموزان سعد از کلاس من خسته و کوفته و نیمه چان به خانه بیرون . پدر رهم از سرکار آمد ، خسته و خسائی و مادر خسته از کارروزان ، خانه شلوغ و سرمه داد ... آن چند ساعت که داشت آموزان در خانه سرمه کنند ، پارشکلات را بامان نمی باید . خانه پلکسواخ میشیست که تائبانه اند کسریده و زمستانه اشیه بدخال است . سق خانه هم در دم در صرف خطر و بیزی است .

درین و کلا س چون در معیط خدیه به شکل خشک ، هفرو فابل استفاده در رسائل و مشکلا ت روزانه همراه طیموس با محیط زندگی ... . است الچه که باید آن آنچه می شود خود زهری است که از دندان علیقات حاکم به جاشان می بیزد ، آموزش استعمالی ، می کوشد چشم آنان را باعیت پندر و مسے از زندگی در کتابها خبری است و نه از نیزی که می بیزند ، نه "دارا" و نه "سارا" را در محله شان وجود خارجی ندارد ( که با این پدره مدرسه می روندو ... ) و نه مطالبی از طوم را که در گساب می خواند می توانند در آزمایشگاه و در عمل بینند و پرداز این علیقات حاکم چون که از این گرمه متنظرند هر چه زودتر آنان برای همیشه جای پدران و مادران - زحمتکشان را گیرند و در کارخانه هاشغلو یکارشوند . علیقات حاکم هیچ سویی را بر زندگان را دشمنان ای امکنات آموزش برای شهربه های زحمتکش را به کارخانه های زحمتکشان فراهم آورند . آنان



مختاری واقعی است و تنها از طریق برآوردن این خواست است که می توان از تساوی خلقها صحت گرداند.

در اصل ۲۱ اعلام می کنند که: زبان و خط رسمی و متنزک مردم ایران فارسی است و شیوه واسنار و مکاتبات رسمی و کتب درسی پایه های این زبان و خط باشد... این نیز توجه هایی جزوی سه خلقها است. مثلاً شناساگزارس هستند و زبان مادریتان فارسی مجهوز است و زبان زبانی مادریش تدریس کنید، کتاب بخوانند و زبان مادریتان را در مرحله دوم آماده نشته باشند زبان رسمی گذشتند و زبان دهند. از همه مهتر مطکبر رولت در روابط با خلفاست این علکر به مانشان می دهند که دولت نه تنها نی خواهد حقوق خلقها را برآورد و سازد بلکه راه سرکوب انتہار از پیش گرفته است.

اصل پنجم: در زمان خیث مضرت ولی عصر، عبل - الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلام من ایران ولایت امریوا ماست برعهده فقهی عادل و باتفاق، آنکه سه رژیون شیعی، مدربو دربار است، که اگر بست مردم ایران رهبری شناخت و بدین معنی باشد و رصوت کمک هیچ فقهی دارای چنین اکبریت نباشد و همچنان پاشوی رهبری مرکز از واحد متوسط بالا طبق اصل نیکد و هفتم مبده داران می گردند.

در این اصل حاکمیت مردم بر سرزمین ایران را با اتفاق شده است. ولایت امر و گرداندن ملکت به عهده فقهی است. در اینجا می بینیم اصل آیت الله شفیعی می کند: "اگر تمام شاید کان مجلس اصلی را صبوب کند و فقهی آن را به مردم" در اینجا از رشی ندارد.

آن جمله بقدرتی زک و راست است که نشان می دهد نظرات این اکاذیب درباره حاکمیت مردم بر کارشناسان بقدرت اجتماعی است. کنی که رای تمام شاید کان مردم (معنی رای مردم) در اینجا رای فقهی می ارزش می دارد، چه بهای

شوکت کوئن مردم را تعمین سرتیشانه آنها می دهد. چند کلامی هم از آیت الله خمینی درباره ولات فقهی زیارت می آیند تا خود قضاوت کند ایشان در کتابهای ولات فقهی می نویسند: "بابیت رئیس و حاکم باشند و اجرای احکام کند" "فقه از طرف امام (ع) حدیث بر مرد چند هم آمر و تمام کارهای مسلمین بانان و اگذار شد است (ص ۱۰۶) "وجز ایکی حق قضاوت ندارد" (ص ۱۰۷) حکوم اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه بلکه شرطه ایست، البته نه ضرطه به معنای تعارف فعلی آن که صحبت قوانین تابع آن اشخاص و اکبریت باشد (ص ۱۰۸)

وارزیف دیگر در قسم اول اصل می کنند، "در

زمان خیث مضرت ولی عصر... ولایت امر و امامت

بر عهده فقهی و عادل و... است.

این نشاند همه این امر است که بتداری کنند روحانیت مشروطه طلب از مضرت ولی عصر در پیش از این شان بلکه همچنان پاییان و مانند آنها خود شان می باشد از همان بعظام، سمت از نظر

مردم و سبیرین تعمین سرتیش آنها به ولی عصر

## چرا نحریمه انقلابی؟

تجاویزه ازاد بیانی دیگران را در قالب اکرمکرهاي زمان شاه خانی.

اصل ۲۶ "احزاب و جمیعتهاو... ازاد نیز شرطیه اینکه موافق اسلام و اساس جمهوری - اسلام را نیافر نکنند".

با زخم شرط شایه هم دیگر که نهایتاً به نفع طبقات حاکم، سلطنه داران و زندگان وغیره - نهاد خواهد شد.

دیگر اندیشه خود را می بینیم اسلام از دیگر اندیشه های اسلامی می باشد:

شام چهار بار طایت موافق اسلام اسلامی را می بینیم: دیگر اندیشه های اسلامی می باشد:

اصل چهیست؟ در خطبه می بینیم اسلام از دیگر اندیشه های اسلامی می باشد:

که "زینه ایمان وارث و خود، کم بهره هستند... و بیهود نهادن خود شان آشت که در اسلام" کوایی

و زن جای گواهی بگزینند. ولایت بنت نصان

بصیر و سبیر هم از آنها تعجب از شدید است... خلاصه در هیچ امری بگذران و خواهشی ایمان امتنان

نمایند تا در گفتار و کار ایمان باشند مطلع نکنند. ولایت

الله خمینی در اینجا این اصل در زمانه ۱۴۲۴ توضیح المسائل می نویسد: "زنی که عقد اشی می شود

نیاید بدون اجازه شهور از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که امیسوارد، تسلیم نماید و بیو

در شریعی از زندگی کوئن اوجلوگویی نکند و گزرازایها

از این طبقه حاکم زین ووش" حا که میگفت اخشاری می خواهیم در خانه کارگریان و زحمکشان

دیگر هر کسی می داند که منافع که معرف کارگران و زن زمان تا این سران فرق را دارد. واگرسانیه داران بر سرکار یافتند، منافع

کارگران پاییان است و بر عکس، این اصل پاییان

نمایند همه از این طبقه حاکم زین ووش" حا که میگفت اخشاری می خواهیم در خانه کارگریان

مودم انتخاب (۱) گردیدند. اشامی نمودند. اکثر نیز از همینروست که نیروهای انقلابی و کوئیست به همراه تعدد های آنکه با تحریر این رفراندوم شان داشتند میلیون خبرگان، رفراندوم برای رای شد و شنوندند و از این نیزهای رایی که باعث شدند از این نواذ کننده با کل آن، که باعث شدند گاش و حامیانش تحسیس ای اشتی نایند بودند.

از ای رایی طبقه کارگری نیزه همراه دیگر خلقها ای آنکه دیگر مادری دیگر اندیشه های این رفراندوم را تحریر کردیم.

رسانه های این رایی این قسم است از قوانین رسالت پخت خبرگان را بوسی نمودند. در اینجا

برای نشان دادن ماهیت ارتباطی این قوانین به ذکر مادری دیگر از آن می بردند. تا همین این مواد بنفع چه کسانی تهیه و نوشته شده است و این قانون متعکن کننده منافع چه طبقه ای است؟

اصل ۲۷ جمهوری اسلامی نظامی است بینایه ایمان

- خدا ای بکار (لا اله الا الله) و اختصاری

حاکمیت و تشریح به اسلام و بر اسلام...

- وحی الهی ... ۴۰۰۰ مدار ... ۴۰۰۰ عدل ... ۴۰۰۰ امام ... ۶۰۰۰ گرام ...

در این اصل که سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

جمهوری اسلامی را شخصی نکند هیچ حقیقی برای شوده ها قائل نیست، حاکمیت راهی خدای خدا است

طبقات می سردد. خدامی که هم خدای سرمهایه دارای

وزیمین ایران است وهم خدای کارگران و زحمکشان

دیگر هر کسی می داند که منافع که معرف کارگران و زن زمان تا این سران فرق را دارد. واگرسانیه داران بر سرکار یافتند، منافع

کارگران پاییان است و بر عکس، این اصل پاییان

نمایند همه از این طبقه حاکم زین ووش" حا که میگفت اخشاری می خواهیم در خانه کارگریان

نیزست. پاییان دیدند این قانون چه طبقه ای خواهد است. اگر قانون، همین همیت حاکمیت که عرض شد، آزاد بیانی دیگر اندیشه های اکرمکرهاي نهادند و دادند

قانون، آزادی برای سرمایه داران و زمینه ایان می باشد و آزادی های دیگرانیکه و غذا هایی بیشتر نمایند و در حدود این قانون می گردند. در اصل نهم (۱۰)

نیز صفت از ازاد بیانی "شروع" است.

شرط برای چه طبقه ای و علیه چه طبقه ای بنتظرهایی دیگر اندیشه های دیگران را داشتند این امری بیشتر وضد ارتضاعی بودند که وحی الهی از روزی شدند.

آن را قانون معنی می کردند. هم در اینجا این مطلب است که می باشد، تفصیل

قوه و قوه دیگر چیزیست. اگر معنی دیگر این اصل

را بخواهند اینطور مشود قبیله کرد و قوه قوانین از حقوق و مدارک این اندیشه های

می بخوردند. خواست اصلی خلقها خود

آن را قانون معنی می کردند. هم در اینجا این مطلب است که می باشد، تفصیل

حقوق عمومی از نظر خبرگان چیز است؟ در این مرحله

از این طبقه شریعت و مطبوعات خدا هایی بیشتر وضد ارتضاعی باید آزاد باشدند. هیچ کس موشی نمی کند.



# راه‌شدن غیر سرمهایه راری، خلخ زحمت‌شان شیخ



وضع پنفع سرمهین به اهداف خود استفاده کرد.  
از رویزبونیست‌های خان و طرفداران "گذار سالنت آمری" و راه رشد غیر سرمایه داری "بعدها بدین اندک واقعیت احتسابات، شیوه برخورد خود - کارگری دولت‌النده و دیگر سائل راهبرد توجه قرارداد هندرهه جاده به تعیین کمی زندگان آن اینه کوایان احتسابات بود که زمینه راهبرای سرنگونی‌النده فراهم آورد.

آن بعد از روش کردن عقاید توپهه هنای وابستگان امیرالبیسم که تازه شرایط تحقق آن راهنم سازشکاری خود النده و وزیر امور امور امیرالبیسم آورده بود و چیزی جز همان اجرای تزهای "راه رشد غیر سرمایه داری" نبود! با احراکات توده‌ای، کاکان به خیانتها خود راهی نمی‌شد.

به هررو نوش تغزه افکانه وند کارگری‌النده که در رهایت درختن عقاید امیرالبیسم افزایی کرد و امکان بیرون برداشی راه آنام من داد تا همین حمله و نبود مثلاً در رابطه با احتساب کارگران ال -

تسبیت، کارگران یکی اینزگرین همادن دنیا، "چرکی کاماها" اعلام پیشنهادی کردند. اما کارگران طرفدار اتحاد ملی پایشنهای از احتساب مخالفت کردند و اکبرت سیار کی موقی به شکست احتساب شدند و راهیان حال یک از همین جزو رویزبونیست‌النده، "لوس فیکه روا" ادعا شد که این واقعه به معنی بجزوی کارگران در مقابله فاشیزم است.

"وقتی که در راه روش معدنجیان ال تدبیت به سوی ساختن اگهه راه افتخارند عاقای ملاقات و گذگویی رایان‌النده بنا شدند" پلیس گشت خود افتخارش! که در سرکوبی ظاهرات خیابانی تخصص داشت و صورت نفرت‌بیی حد صریم بود و دولت‌النده بقیه در مقابله

چون و جرای غمکه کارگری بودند. این معدنجیان وکارگران همادن نقال سنگ از تکریک یافته توین و در عن حالت استقرار شده توین کارگران مستند بدو شک در میان تمام کارگران کشیده بود توین شرایط زندگی می‌گندند. این معدنجیان که در میان احتساب غیر سرمایه دارند و در معرض بهره کمی که این همیز سریزگاه امیرالبیسم واقع شده بودند. پیش از تمام کارگران که مالک همادن بودند. پیش از تمام کارگران که دفعات رسیده احتساب زده والیه در نتیجه مشغله و حشایه توین سرکهها، "خمصه" بود و روان فقره بی شده بودند. در راه همین‌ها ۱۹۷۰، النده بالا توین در مصلای از انتخابات خود را از همین متعاقن بدلست آورده.

الیه سطح دستمزد معدنجیان من از حد وسط دستمزد کارگران در سطح کشیده بود. ولی این امریه هیچ وجه ارتقا علیه سخاوت شرکهای املاات تخدیده نداشت.

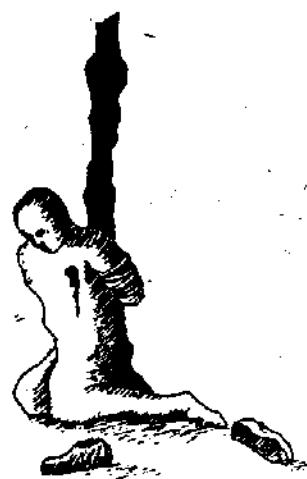
واقعیت عینی ایست که کارگرانی که در میان مسر کاری کنند در عرق پیازده تا بیست سال نیروی کسار خود را از دست داشتند. از لحاظ عمر متوسط در پیش از توین سطح فرار از دنی و ملاوه هرسال پیشتر متوسط سهصد داده شد که اینه میگارد انتظار انتخاب است. احتساب کارگران من پایشنهای همچنان معدنجیان، از طبقه سومی‌المیستها و کمونیت‌ها شروع شد ولی پیش روش از احتساب در جزوی مذکور به اضافی خود دستور دادند به سرکار گردند. در هرچهار اتحادیه‌های کارگری نزدیکتر احراز اینه میگردید که انتخابات کارگری بتویه از اینه میگردید. سه‌م تمهین کنده داشت.

تلخ، "میکی از نقطه اساسی برخورد در این دوره احتساب معدنجیان من ال تدبیت بود. در سالهای پیش از ۱۹۷۰، معدنجیان من پیشتر اولاد نیس

آنده که اساس کارخود را به تکه برآورده و لست سخط گذشت که استمود و از طرف دیگر تمام اینه در جهار جوب گکره کشیده که در آن سرطایه راری - وابسته و بوزواری نشن سلط داشتند قدم می‌میدند همچنین طبق میکه کارگری برای عطیات انقلابی تمام نیروی آنها را در جهار جوب مبارزات پارلمانی به هدر می‌داند و همان سازمانهای اویله کارگری - (که درون‌ها) را بدل به راکده دیلت اتحاد اینه می‌شود. و مبارزه طبقاتی کارگران را شغف می‌کرد دیلت اینه همچوگاه از تضمیم جنیش کارگری دست نشست. کاپیته اتحاد ملی و پرالهادره سر کیاکه امکان داشتند کارخانجات راکه بوسیله کارگران علی ماه اکتبر - زمانی که مبارزه کارگران به اوج تازه ای رسیده بود - تجاوب نهاده بود به صاحبان اصلیان هری گرداند (در اینین بیرون نیزه کارخانه الکترونیک آمریکا نهونه بسازی می‌توانند بود).

برچین زمینه ای بود که دیلت اینه اجرازه می‌داند سرمایه داران بالایجاد کورون های فرمایشی و سامت از هرکت توده ها و جلوگیری از نظرارت آنها، چنگ فراسانده ای راطیه توقی تو - تشرهای طبقه کارگری شیرپساند. نقشی که حزب اینه در زرمان حکومت اور تغیره جنیش کارگری بازی کرد، هرگز پیچ می‌کاره از احراز اینه در عکس احتسابات کارگری بتویه از اینه سه‌م تمهین کنده داشت.

تلخ، "میکی از نقطه اساسی برخورد در این دوره احتساب معدنجیان من ال تدبیت بود. در سالهای پیش از ۱۹۷۰، معدنجیان من پیشتر اولاد نیس



اعتصاب سی روز دوام آورد و معدنجیان تسلیم شدند. اما آنده بار ویضه دیگر کارگری خود شرایط را ساعد کردن تا سرمایه داران از آن سودجویی داشت. در این زمان بود که حرب دیگر دیگر میهمی کشیده از اینه از شده استفاده می‌کارند. راه آزادی طبقه کارگری

## راید پندت شیر سرمهای دلخواه ۰۰۰۰



گسترش

- امبارزات کارگران را تضمین کرد و دست بست  
تعریف اندیزی درجهت اهداف غرض‌نظامی بی خود زد  
و حقیقت اثبات را حکم نمود با پیشنهاد خود را  
که مبنیست "خواندن" و این قریبی بیش نمود .  
- اورکر نکر که مبارزات ضد امیرالملائک و دکترانک  
و هرگز بسوی سوسایلیسم تهاجم نمود و درین دستور  
طبقات زحمتکاری خود پیش نهاد . درجهت تأثیر  
سرمایه داران نهاد بروز است و درینهاست آشنا  
کردند . و بحاجی روزی رفرصیت‌الله، رئیس  
جلاد پیشوای شد.

بین‌وقته، این توکرخونخوار امیرالملائیم بر  
چنین زمینه امکان یافت که نایاب امیرالملائیم بر  
که علی آن دهها هزار تن از جرم عملی با وحشیانه  
تیرین روشی‌ای مکن گشید . درجهت این  
این کوبنده، باریگر اتفاق‌گشت که امیرالملائیم  
آن کجا به جم درجه اوضاع رسیده است . توطئه  
که این های سی‌با وقایت ایجاد شد و پلی درخون  
خفت . امبارزه که گذشت مای توانم کود نای -  
امیرالملائیم بین‌وقته و در راهی خود را که امیرالملائیم  
آن کجا این دشمن اصلی خلق‌های شبلی راه اندخته  
است، پلی می‌برد و رظرکریم فرزند های راکسه  
رف‌رسمیت‌الله بوجود آورد و بود از ظهر و نکندانم  
اسرور خلق علیم به مبارزه ادامی داشد  
امروز امیرالملائیم و بجز امیرالملائیم آن کجا،  
جنایت‌های خود در پیشی ادای می داشد، اسرور  
زین‌بزمیسته اور راز اس آن شهروی سوسایل امیرالملائیم  
می کوید همچنان توده های علیم را از درس آسونم  
از واقع سالهای که شد نیز از این طبقه های راکسه  
باریگر از نهاد انتقام را بعزمیزی طبیعت کارگر  
چلوگیری نمود . و بحاجه طبیعت کارگر ابد نهاد بعنوانی  
و خود بعنوانی بگاند، درین‌چنین غرایی است  
که وظیفه نیروهای اوقات اثبات بجز انتقام را  
که مبنیست علیم چون همه بیان رساندن و سخن  
تریم شود . ازی تها بایار افزایش برخ  
مارکسیم - لینینیم را خورد و اثباتی زین‌بزمیسته  
درین است که در پیشی وجه را بگزیسته که  
تحت سلطه جهان، امیرالملائیم و ایاری بداخی شان  
و اقدام را که خواهند داشت و اثبات خلقتها به  
رهبری طبیعت کارگر به بجزی خواهد رسید .

لانداستزال واقع در هانتالارنی بعمل آمد . که  
در آن سرمازن به کلک زدن کارگران برداختند  
و اموال شخص اینها را سقوط برداشتند . و سر  
سرمیزه کارگری را کشند . . اتحاد علی این عطیات  
را سکون نمی کرد .

این نوع باریسی بارها تکرار شد از جمله بخشی  
سلسله کارخانه‌ای ساجی سومار- طبلون- مجباری  
بهادرن گشته‌ها و سکوت دولتی می‌توان نیام  
برد . این همان نیروهای سلسیون بود که اللند  
دریال ۱۹۷۱ در حالی که در دنیادهار ایجاد  
بیشان معاصره کردند بودند می‌نفعی در زانگان  
(کمیون) گشت : فقط راهی نیروهای سلسیون  
به عنوان رشیم جمهور انتقام نموده ام . هدف  
الند از این‌جهه فنکاری به بوده؟ آیا ایشانه  
می کرد؟ آیا فقط من بدانسته که می‌تواند به این  
طریق بطور مسلط ایزی ظایمان را بسیار سوسایلیم  
یکساند؟!

شده! اللند بر طبق منابع طبقاتی خود  
حرکت می‌نمود، اور صد در هری زحمتکاران و در هم  
کوشن دستگاه نظامی و اداری بعنوانی تیوند، اوهه  
همین دستگاه احتجاج را شدت، امدادگرانی نمودند،  
کسانی که با تکیه‌ایان در مقابل مبارزات ایلاسا  
خلق می‌استار، گویند حکومت او و درین حال  
جلاد زده ها هزار کارگر و دهان خواهند شد  
این‌چنین بود که بمحض آنکه نظامیان دست شاند  
آمریکا، اسد اران سرتیه داری و بایس ایضاً ایضاً  
و بین‌وقته، در سیاست‌الله ۱۹۷۳ علی کوئی توی خودش  
پایانی نشینیم را راه رشد غیرسیاهه داری فراهم  
آورند .

مقاآت‌الله در راه ریاست جمهوری، ایشان  
طریق‌گذاشتم سرتیه داری، برای حفاظت از مکانی  
بعنوانی، هیچگاه توانست نیش تاریخی ایرا و ستوان  
لیت اورادیکی از در دنیادهار کارگران انتقام را  
کارگر جهان کند، او مثل مک، قهرمان، "تمـ" .  
برای ثبوت ایران رفرصیت بعنوانی خود، یعنی  
راه سالمت ایزیه سوسایلیم مقاویت کرد و گشت  
شد در حالیکه از مشکل کردند به دهها هزار کارگران انتقام را  
سریازد و آنها را کج و شکنندی خالی هرگز کهای و فریضی  
و اصلاح ظلمانه خود کمید و آخرهم به کشانگریم  
امیرالملائیم بین‌وقته جلا ده دادند شدند .  
الند می‌باشد که نمی‌توانه آموزش انتقام بین نارین  
مبارزات کارگری به طبیعت کارگر پیش کرد .

- اوین درس را که هیچگاه نمی‌توان با صرف ساده  
پارلمن بقدر تفاوت خواهد رسیدند گفت .  
- اوین درس را که باید دست به شکل توده های  
انتقامی بروای در هم کوشن دولت بعنوانی زندید  
گزدست .  
- اوین درس را که هیچگاه نمی‌توان با صرف ساده  
ماشین داشت، دستگاه نظامی و اداری، بجهة  
سوی سوسایلیم رفت و هیچ راه سالمت ایمپرسی  
پلیور عام بطریف سوسایلیم وجود نداردند گفت .

قول داده بود دریال ۱۹۷۰، اثر منع کرد) در  
روی پلی با آنها هر روش داشت هرچه تا مسخر  
آنها را مزکوب کرد .

شونه بگری از علکرد خد کارگری دولت اللند  
راید این واقعه می‌توان جستجو کرد: در روز ایلانگانه  
که نزدیک ترین شهر به مدن است، کارگران  
روزی خاص خود از جمله بکاربردن زره پوش شروع  
به برآنکه نمود نظاهر کنند کان کردند و سرای  
از خطرات نامی از کار رهای حامی اعصاب انسان  
به قتل کارگری نمودند .

آری دولت اللند نه تنها کارگران را تضمین می‌  
نمود، نه تنها می‌آنها شعره می‌افکد بلکه آنها  
راسکوب می‌کرد .

## دولت اللند وارش

مارکسیم - لینینیت‌های وافصی ارتش و نیروهای  
صلح را بخانه ایزرا اعمال فهر و سرکوب دولت  
از زبانی می‌کند و معتقدند که درین داغان کردن  
ماشین داشت، دستگاه نظامی آنرا باید شکل  
کرد و بسیار آن خیوهای سلطیه راهی نیروهای سلسیون  
سرنشسته تاریخ مبارزات بروطانی‌ایلی‌ای محتا این  
نظر مارکس، انگلیس، لینین، استالین، ماشون .

## اما اللند چند کشید؟

الند بخانه راهی نموده رینزویسیم درین‌لی این  
قانون‌نندی رایزی باشند و بجا ای در هم شکنند  
ماشین دولتی سرتیه داری وایست، آن را صاحب  
کرد و در نتیجه ارشد خلیق را دستگاه شکنند  
نهاد . حتی شرکت‌داران آنان در کابینه انسداد  
طبی زمینه مناسب را برای کوئی به سلح کشانند  
کارگران و رستگان فرام ایزد . زر اکه برواضع بود  
طبقات حاکم، سرتیه داران و بسته به امیرالملائیم  
آمریکا، که در مرحله کنیدگی و انتقام‌هستند،  
علمی عقیق سبق شنینهای تاکنکی هم‌واره در صدرباز  
کردندن حاکمت انصاری خود بروخواهند آمده  
به معنی آنکه شرایط اجازه دهد حتی دولت  
سازشکار اللند را که به هیچوجه به پیار آسان  
صده ای وارد نمایند بود سرتگن خواهند کرد  
و تحمل می‌کنند می‌تازلز و رفرصیت رانخواهند  
نمود . اللند که نمایند واقعی توده های  
انیکلوف می‌خواست بارشند خلیق شکه کرد .  
اما ایزیو دیگر ایزی امیرالملائیم شعلی ایزرا بود  
در دست سرتیه داران و بسته به امیرالملائیم  
دراند بخشه سرتگوش حکومت اللند باقی مانده بود .  
اما اللند چشم خود را بر این واقعیت بست و پایانی  
بر ایشان وکوش درجهت ایها و توجیه آن، من خواست  
"راه رشد غیرسیاهه داری" و "گزار مسلط ایزی" .  
شعلی را بیاره کرد .

مثله در ۹۰ روشن سرهنگ سیریز در میان  
از طبیعت کارگر دعوت نمود که به خیابانه ایزرا زند  
پس ای ایزده دفعه وقتی . باغرانه‌های نیروهای  
صلح سازش کرد و دعوت تلی خود را بسیار گرفت .  
الند نه تنها با اقدامات سرکهکرانه نظامیان  
مخالفت نمی‌کرد بلکه بارها آنان را ایشان نمود .  
نظمیان، درسایه قانون کشل اسلحه کارخانه  
وزارع، با خشونت به بازرسی کارخانه‌ها بودند و اختناد  
اولین پانزی ایان نوع در کارخانه ساج



# چیز را

نکاهت را در سرور  
که این رازخانه تناک شیرکه در میگرد  
چیزی ریود سخت  
آن بار چه های سرخ  
آن پارچه های سرخ  
  
که می خواستم نهره برآرم  
نکهه از مردم  
نکهه از مردم  
ماتما مس آنسرا  
برای بترجم  
روز به روزی  
می خواهم  
  
بیان هر رخانه کاهگش  
در دست خواهان کوچک  
قالمه افسم  
بیان لاله های عمله و اتفاقا ب خلقها  
دراهشزار  
برهار از رازخانه ها  
کوهه ها  
دهکده ها  
  
گرماشاد - دانش آموز کارگر، کارو

## دانش آموزان روحیه کشی

وامی داشت باقی ماند .  
هنوز باید در زندگی با همان مشکلات که شده سرو  
که بزندگی تازه شکل بیکاری نیز گردانش را گرفته  
است .  
عدم توانایی نیز کوشش در حل سایر اجتماعی ،  
کماکان اوضاع را بطور حرارتی باقی نهاد و در این  
حال وضع دانش آموزان روحیه ساده را برآورد  
ادامه مبارزه فرامی آورد .  
چگونه مشکلات آفرینشی این دانش آموزان  
روحیه کوشش میشود .

ستله بیکان تهدید امکانات آموزش را بسطه  
ستقیم با خاص طبقاتی درون جامعه دارد . تا  
این تعداد وجود دارد ، تبلیغات حاکم از تمام امکانات  
آموزشی درجهت استفاده هرچه بیشتر فرزندانشان ن  
استواره می گند . هدین ترتیب به دوته ای دنگر  
ستی دیگر بر طبقات روحیه کوتاه به حد این شمار غیرجنبوب  
بنده بازگاهی کوتاه به حد این شمار غیرجنبوب  
بنده بازگاهی

## پرسش

نقطه نظرات خود پیشنهاد انتشار در مردم چگونگی  
پیشنهاد دانش آموزی پاره دانش آموزان روحیه کشی  
و از این طریق پیشنهاد آن با جنبش روحیه کشی  
به مبارزی رسانید .

# پیشنهاد دانش آموزان با جنبش روحیه کشی

روحیه کشان پاپشن و پخش اعلاه های در پیشمع  
سائل روحیه آنان و ... در توضیح نارسانی های  
موجود ، مشکلات روحیه آنان ، عدم خواست و توانایی  
همایت حاکم در راهنمای آنها کوشید .

با هر آن اندیختن ظاهرات دانش آموزی در این

مناطق و گذاندن صفوظ ظاهرات بسوی ملته های

روحیه کشان می توانید به حل مشکله کم کند .

از سوی دیگر اگر عنون عدم وجود شفیره های که نیازمن

نمایم بتواند سائل محلات مکتبی روحیه کشان را بجز  
کند کاملاً مخصوص است . می توانید با استفاده از

رهنودها و چنیزه و تحلیل سائل توسط نیروی عصای

"م - ل" سائل را بایهای ساده تر هات و بوجه

به خصوصیات منطقه برای آنها توضیح دهید . شریه

"م - ل" آنها نیز من کوشید تا در اینجا بروز طرح

دانش آموزان روحیه کشی به شایانی رساند .

تجهیز دانش آموزون میکنند و سروکار را گیرند

دانش آموزان روحیه کشی به اینجا رسیده اند

شماره دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

دانش آموزان روحیه کشی را در اینجا رسیده اند

جنبش و چه از تظر مستخدم نمودن جنبش را انش آنروی

جنبش روحیه کشان اهمیت پیویز ای میابد .

مادر ابتدای پیشمردن ولاش چند در توضیح هلت

این واقعیت می برد از مردم و آنکه وظایقی را که بزرگی

حل این مشکل به نظر مران می رسید بیان می کنم .

اگر دانش آموزان که صفوظ ظاهرات دانش آموزان

راستکل می دهند . افزایی مستند از افق ادار

توپلیزه که از طرف بدملی و فاقد نسبی خابواده

اگر تهیه که اجتماعی و نزد اصحابی سعادتمند

از زیر زمینه طالعه این کتب دارند و از طرف دیگر

در ازای این اتفاقها می باشدند ( و اشگاهه

های اشگاهی که برهه روشن است یک از هشتاد )

این مسائل بیهوده که است یکی بیویز مردم ای ای

مرکزی سهراط از اشگاهها نویم دانش آموزان -

بیشتر پیشتر از این گردید .

از طرف دیگر تمدد دار دانش آموزان آنکه ابتدا به ذرا

دانش آموزین بیشترین ، که به این اتفاقی وشناد دادند

راه صحیح از این ابتدا ب پاره می رسانند .

خل و براین حمله ، هزار اختشاق در میان از جنوب

شنبه نیزه باقی ماندن توجه کم می کند . در -

سیاری از این این جنوب شهر گاه شاهد بوده ایم

که حتی برای جلوگیری از خوشنی شمار و بطل بسر

پیوی دیوارهای نقره ای "موس کند تا پس از خروج

دانش آموزان از دسته این به اینجا رسیده اند

و احتلال "دانش آموز" دادن اتفاقی "رادستکر کرد .

اما اکنای این داریم که ادامه جنبش دانش آموزی -

کشیده شد فریضه ای دانش آموزان

میدان مازه ایست ، اگرچه بیشتر دانش آموزان

و جنبش روحیه کشان مدتی از کنایل پایی گذاردن -

فرزندان کارگران ، دهه هنایان و سایر روحیه کشان می

میدان تبرد است باید بایهای توجه به شکلات فوق از رصد

حل آنها برآیم .

البته مظموه از نویسه های قیل این نیست که

دانش آموزان جنوب شهری اینجا صفوظ مارزات نهاده

اخباری که از رشریه از تهران شهربستانها انتش

شده خود شاهد مارزات آنان می باشد ، اما هنوز

این توجه های سیم فرزندان روحیه کشان نیستند

که به مبارزه کشیده شده اند بلکه پیشقاولان آنسان

هستند .

دانش آموزان پیشروا بیویز آنانی که در مناطق

کارگری و ... زندگی می کنند ( بایده اشکال گوناگون

در حل این مسائل کوشیده باشند . به نظر معاذه شرین

اشکال حل این مشکلات می تواند جنبش باشد .

داستان کوتاه

# هنر مقاومت

روشنیه ۱۲ آذر ۱۳۵۸

آدم هرجاکه قدم می کشیدم گردید چو  
به مانله می کردند . توی هر رهات و شهری که  
واردش شدم امکان اگر ممکن نداشتم می خواستم  
پارادک نکه گذند گاهی فحشی دادند . توی  
یک ازدهات ، توی دامن استش چه بود . تیراندازی  
شده ، اینها از داخل خانه های ترازوی و اتوقوت  
شده . دادم اگر اینها ، خدا نظر پندو آدمکنند چرا  
هر دم تعلیمان نمی راهند . جواز آنها عوشنان  
من آید و از تایدان هان . یکی آنجه های گفت در -  
باشه درم ظاهرات من گردد اند . چیلی بودمان  
تفصیلاً تمام مردم به خدمتشماری راهه اند ،  
فرماده شان به آینما گفته که تیراندازی کند و آینما  
هم تیراندازی کرده اند . من این روزها هایالم  
خلی تراحت است . پادان روزهاش افتادم که -  
هزوز ، آتا ، شیاده بود . ماهرورز ظاهرات میگردید  
و گاردها به ماتبری زدند . یعنی به همین زودی  
ماجایان عوض شد ؟ در آن رهی که گفت خلی  
ازکردها کشته شدند و بیشتر هم زن و بچه بودند .  
بچه های کردها را که ماتبریان زده بودم وقتی  
که می دیدم دل آدم کباب من شد . از همان  
گشته شدند . صعید هم تیرخواره ، تیرخواره بده  
پیش به شوین من گفت : « همه شهیدی شوند  
ظاهری بدر جان ، من که اینجا هستم همچو  
یعنی هم اینجا هستم » تایرانی گردید .  
با این تایرانی تکرار شد . همین زودی هر -  
قرآن شما ، مصلحتی »

چند من روی گذشت شکرانی درخان آتا اینها  
از آخرین ناه حنفی بیشتر عده بود که گتر شده بود  
چهار و پنجمی گذشت و ناه ای توی رسید ، شل  
بینی بود که روی آتش شکرانی آتش بازیزی . و حالا  
دیگر کم کم راشد بودند .

« احمد ، وقتی از پدرمه برگشتب روی گوشی  
خوار رحاط نمی نشست و چشم به درمی دوخت  
که این راه خود را که می بینید . می بینید  
که کسی کم شنبه و پیشترین شو ، دلش از هاگهه  
می شنید .

تروریز تمل هر یوز سیمای همیشگی اش شسته  
بود و کتاب درسی اش هم روی پایه ایش بود ، اینها  
درین آزیک گند درین که خوانده بایند . مادرش نیز  
در آن طرف حریاط خوشی براز آب کرده بود بدخش  
می شست . وقتی زنگ دریه صداد رام او رسیده  
از جایش جست ، امایا هم مادرش زود ترازوی سرت  
صعد از چند لحظه دو نفر مرد را داخل شدند . یکی  
از آینها ، آتا ، شی بلند بالا بود بایمه و بایمه  
ریش لطفل نشک و باغنک ریشه چشم . دیگری  
مرد چهارشانه قوی بیگنک بود باریشی ایستنا آلمونه  
بلاین بیسد اری یه سن . مادر چادر شل را روی سر خود  
مزدیگ کرد . وقتی این طرف بایقی بند معانی راهنمایی  
کرد . وقتی که آن دو نفر وارد آفاق شدند بیراشت  
سرخات و دردیوی صربت احمدست . احمدست  
بنظر پنجه اتفاق رفت و اگر گشته آن به داخل  
اتفاق چشم دوخت . مرد هاروی صندلی نشستند  
و مادر رهی وی آینها قرار گرفت . مرد روحانی شمرده  
شیده خوف میزد و مادر هر لحظه بیشتر صورتی



وی چیزی که گذاشت می گردید . ناه از زدن اهل دفتر  
بلکن که بوزیر خسنه کرد از رانی می خشید .  
تریسه سیاپ و بورزی بورزی که بگز می شست .  
آدمی شروع می خواهد که از میان میان ریان  
خدت بند رومار غریزم

پس از عرض سلام ، احمد و ارم که حال مطاخوب باشد  
من بجز ملا لوی جزو روی دیده ایشان ارم . . . اسرور  
مارادیان اما . . . همیز فرستاده ایشان را که بود و  
زد ، صدیقه خانم . . . صدیقه خانم . . . نامه

# آخرین نامه

# چه کسی این داشت آموز را کشت

که هل افتاب برهنه طاریشون است دلت موقت باصطلاح اتفلا بی دراین ماه همچنانکه از خواستهای ماراگه بساطر آن شهید داده این اینجا نداده است رعیت داد که درین ابتدای کودکی بدینکش زخم زحمتکشان چون بازی برده و اینکنی همکرد واوکه همراه داشت آموزان مازن تاکستان در احصایات داشت اهل سه افشاگرانه بر ضد زخم خوشوار شرک داشت نس تواست همان یعنی بدینکش رنج ودردی که بود وش زحمتکشان است را تعامل کند، تعامل رنج و شقت دارد زمانی که افراد ضد مردم که نیمه تاکستان پدریش را بیاد کنک ترکه بودند پادشاه یا افتاده کارهای طاقت فرسانوس است بود داود را این ای درآورد و این عیشه طبیعت را بارستهای بینه بسته خود خود میگرد، دیگر توانست این وضع را بیند و وقتی که نیمه چی ها پدر زحمتکش از زیر بین را اورد و ناخوشالان فردی نست فرشان کرد و بدین سه شرج بخور و نسر زندگی خاده کنک زند، احساسات پاک داد و سخت بجزمه دارکشت و این بار ظلم وست راعیطاً درک کرد ولی بساطر جوانی در مجازه راهی بیار غلط را پیش نرفت، داد و این ویژه زحمتکش ماصر داشته  $\frac{1}{2}$  ه ساعت رفت، چاشی که همچه در کار دهقانان بعل زده بود، دادرانکی که باره اخشتگی خود را از این بدر میگرد، خود را حل و خیز کرد.

مازایی بدد است از این ازیزی های داده که همان برجیدن غلام و رهای زحمتکشان است مازده میگشم ماکروکش رینوند صدق را داد باز جستگان را - زندگان میگم و کوشش میگشم که هل او با هر کت در زندگی زحمتکشان بارجع و بدینکش اتها آشنا شویم، اما آخربن عمل داود را هرگز دهناب نخواهیم کرد، ماجرازه میگم چونکه زندگ هستم زندگی را چیزی جز مجازه باشی ها و نزدیکی ها و بدینکشها نمیگم داشتم.

پادشاه شهید دادر رهایی کرامی سار! سرگ و بستگی مازن را شاهی و خارجی اشدار، انتقام را، مازن را و نجات زحمتکشان!

گروین از داشت آموزان مازن تاکستان و داشت آموزان معاوا

من آور و دست خروشان خرد بار و سرور را بله بارگشتن که همکرد هم کنک شانگر نوع رفتار آنان نمیگردند که در آن میش از جمهوره کیف جامده سرمایه داری وسیع که در اینین جامده من دره شده است، در امامه این نوکته بد درست نشان می دهد که اکثر یا باید پایای سه که گریانگیر دوست شان را گرفت و منجر به خود کشی شد باید رزی میباشد به تهره برخاست لیکن این خادمه خود نیانگر درجه شدت فشار غیر عادلانه ای است که در نظام گذیده ای هل نظم سرمایه داری و استه روانی نمود، دزد

بسن های ایام اطلمه رام خواند که اینهای امامه

نهون اجناس و بالارفتن قیمت هاشده اند، امسا

غاز ای اینکه مردم زحمتکش مابخشی می دانند بساطر

اینکه کشید گذاره سرمایه را از هرچه زودتر

پوشود اجناس کم میدام غود و قیمتها بالا رفته است.

“کمیه اتفلا ب” تاکستان همین پدرها اود و -

چندن از همکارانش را که در کارهای این به فروش

محصول خود مشغول بودند بساطر اتفلا فی مایکس

از خرد اران گزد را کفت به کمیه همینه و آتها را اتنا

سرخند مرگ کشک میزند و می دست و در ونچ

زحمتکشان را با گشته و پوست خود حس کرد، کارهای

زندگی داده بود، همین شده بود، هر کجا اگر بود را دوهم

بود، اهمیت اشکار بود با اینکه زحمتکشان

شب و روز کاری کند و پنج زندگیان روزی بزرگ بدر تمریضند

اما مدد ای هستند با وجود اینکه دست به همچ کاری

نمی زندگی مرده ای دارند، اینها باعث است

که و دشمنی داده نسبت به ارایان روز بزرگ شده

بود و همینه میگفت “ظلم باید نایاب شود، تازنگی

از حستکشان بینه شود” .

در ادامه این اطلاع می پس از اشاره به اوضاع پس از -

قیام و بیانی این از اسریکوب زحمتکشان به وضع کمیه

تاکستان تشوح شده است و طی شدنش بآنونهای

فرماون نوع رفتار کمیه نسبت به سرمایه داران خونخوار

و زیمن خواران بزیگی چون صدها و ایلا چی هاشدا ن

دارد شده است، کسانی که با اشاره مردم دستگیر

می شوند امید است کمیه چی ها آزاد میگردند بالعکس

از افعال کمیه که برای بافن کتاب به خانه همچو

روشن شکته با این غلام صفت خلق و ضد خلق در بگیرد .

اطفالی و مینکیه ای این میسم باری میگردند، اضطرورت شرمه ای

برونده طبله کارگر، کامل سلیمانی این شهاده است.

خور رفقا را درست میگردند نیزه هم شد.

شنبه حاضر راهه شایه ای ارگان شکلکلش خود نشسته اند

داشکامو خاصه میشند توده ای اتفلا خود نشسته اند

سیان تروچ شاعم، شنبه مایا خراجم خود نشسته اند

دیه هدی اساس تبلیغ و اشاعه دمکار استه بروطشی در

رقاب! زندگی شنسته خواهد شد .

با احمد آنکه کارگر

دشمن شماره نداشت در کارخانه را این ایشان

اشعار را اینکه هرچه بشتر در کارخانه را

به آنها گرویی از داشت آموزان تاکستان، به ادار بکنی از فرقا را داشت آموز، اهلمه ای بدت طرسید که در آن میش از جمهوره کیف جامده سرمایه داری وسیع که در اینین جامده من دره شده است، در امامه ای این نوکته بد درست نشان می دهد که اکثر یا باید

پایای سه که گریانگیر دوست شان را گرفت و منجر

به خود کشی شد باید رزی میباشد به تهره برخاست

لیکن این خادمه خود نیانگر درجه شدت فشار غیر

عادلانه ای است که در نظام گذیده ای هل نظم

سرمایه داری و استه روانی نمود، دزد

قتل انواع گوناگون دارد، میتوان با چاوشک مکس کس

را چاره کرد یا انتشار این را برید با بهاریش را للاج نکرد .

متیوان کس را درد دخنه ای جاده ای را با خادمه مرگ بکار

گشید سکن ایست کسانی راهم به خود گشی میگشود

گشید یا به چند بقرمیتند و از این قابل، فقط بعضی از احوال قتل درگشوار مانع است .

دایده دهد سال پیش زیر یکی از خانواره های

زحمتکش دهقانی در تاکستان بدنیاد، اور رهان

ایستادی کوکنی مانند همه بیهه های زحمتکش گشی

ماجرای گزدان زندگی خانواره به گلار یار اخت و در ونچ

زحمتکشان را با گشته و پوست خود حس کرد، کارهای

زندگی داده بود، همین شده بود، هر کجا اگر بود را دوهم

بود . اهمیت اشکار بود با اینکه زحمتکشان

شب و روز کاری کند و پنج زندگیان روزی بزرگ بدر تمریضند

اما مدد ای هستند با وجود اینکه دست به همچ کاری

نمی زندگی مرده ای دارند، اینها باعث است

که و دشمنی داده نسبت به ارایان روز بزرگ شده

بود و همینه میگفت “ظلم باید نایاب شود، تازنگی

از حستکشان بینه شود” .

در ادامه این اطلاع می پس از اشاره به اوضاع پس از -

قیام و بیانی این از اسریکوب زحمتکشان به وضع کمیه

تاکستان تشوح شده است و طی شدنش بآنونهای

فرماون نوع رفتار کمیه نسبت به سرمایه داران خونخوار

و زیمن خواران بزیگی چون صدها و ایلا چی هاشدا ن

دارد شده است، کسانی که با اشاره مردم دستگیر

می شوند امید است کمیه چی ها آزاد میگردند بالعکس

از افعال کمیه که برای بافن کتاب به خانه همچو

میگردد دره آزادی خیمه کارگر به نظر ما کمال است در

دو حالیکه سارزات حد اینهای سیست محدود شایانه نمود

های زحمتکش معنای هنر لحظه ای خوبی ماید، در

حالی که مازشگاران و خاتمین به خلق هر ایان ای این

حق خشم خلق میگشند چهره کوه خود را بهشانند،

مازشگاران با اینهای سیست محدود شایانند،

شد اینهای سیست کشند ای اشکار گشیده اند،

تعلیم مسائل روزانه های شرکتی خیرهای اتفاقی

باشند، بهکار نمایند، میگردند ای ای ای ای ای

کسانی هم که درین حل آن زمان جامعه برسی اندند تحقیق نا شیرابط عینی و موضعی تاریخی غفاران را داشتند. آنان از تابعیت های جامعه حرف می زدند، فساد و فشاری را که درین جامعه وجود داشت می دیدند آنها به بسط مذاقات تکالیف نیافرست تقدارهای علمی غلطی کارگربرای پک حرکت مستقبل به سبب ناتوانی علمی کارگربرای پک حرکت مستقبل می باشند، نمی توانند راه حلی را که تنها اینها پیشرفت جامعه و تکامل علمی کارگربرای پک حرکت مستقبل میگزیند دریابند. آنان می کوشیدند راه حل ناسایا اینها را در زدن و خبطه تغذیه خود پیدا کنند. و ازین نظر برای حل مسائل به عومن نکیه ها مواصل ماری، راه حل که درین متن مذاقات انتصاری می باشد رشد پیدا کرد اندک راه حل های نایافرست پیده شده خود را برای این موضعیت تعیین می کردند.

درین این افراد که پس از انتقال بکیه فرانسه مرتب بر تعداد آنان افزوده می شد و نهادن گازی چون باعث که در اتفاق فراسه از منافع زحمتکشان رفع می کرد، از چهره های انقلابی آن هستند، می باشند شهروند. من سیمون پلیوو و اون.

آن سه تن از همچوین چهره های هستند که بدليل مشاهده چهره دهشتگان یادداشت جامعه بران شدند که راه حلی نایافرست آنان قوانین تکامل جامعه سرمایه داری را نیز شناختند، هنوز نقض تاریخی و مهمی که پروتبرایان ایفا کردند نموده بودند مصلحته های راه حل طبقاتی و ضرورت راهی را که پروتبرایان را در رهیم کوچن بیرونی از پسران این راست نیافرست مود. و این حقیقت را بارون اندتد می باشند که راه حلی خود را باعث می کردند که برآشان و نیوی پروتلاریا، طبقاتی برای ماختان پیک جامعه ابدی ای راهی می دادند. به سبب عدم درک نقش تاریخی پروتلاریا و درک فراطیقائی از اقصیات جامعه سرمایه داری، ناگزیریه علمات حاکم پنهان میزدند و می اندشدند تا محلاتی در نظام سرمایه داری - سیتون جمهور بد آن را سوکود. انگلیس در ساره سوسالیستهای تخلیه پیکه می باشند و فسروهه اوشن نوشت:

تله و چه اشتراک بین هرمه و چهارم داشت و آن اینکه آنها خود را نایافرست می باشند پروتلاریان که در پرسه تاریخی، شکل گرفته بود، نمی داشتند. آنان نیز نایافرست و غافکار نمی خواستند در استاد اطیبه معینی را زار - کنند، بلکه هدف آنها را زاد آزادی - تمام شریعت بود . . . ( تکامل سوسالیسم از تخلیه بطریح ) ۲۷

مقدمة

گرفتن امکانات آموزش ملیعت را که ماندن استدارهای درخشن و نیروهای انسانی می شوند و سایر معرفی کردن ملیوتی این از همین داشت آموزان از اینها ای ترین امکانات آموزشی، آنان را بسوی زندگی رنجبار آپنده سراسراز اشتراکی گذاشتند. این رجیه، خوبی دوست طبقات مرتفع است شناسای از کاربردی و نیروی انسانی در کارگاهها و کارخانجاهای خود بهره کشی کردند.

پس ثائقش که طبقات سرمایه دار و نظام سرمایه -

مقدمة

۱۲



## سوسالیسم تخلیقی درین بست

۵۰۵

پدید آورد. این مبارزه در درجه اول ربطی به وضعیت غفاراییانی پاک گشود، به مسائل نژادی و پیه رهی اینها مرتبط نشد و مذهب مسلط و غیره ندانسته است بلکه همان نیمه تولید سرمایه دارد. این واعیت که در نظام سرمایه داری گروهی بسیار به استمارتونگان و مزدوان می چیزی نموده اند که مجهور ندیری از خابله با مرگ دست به فروش نیروی کار خود بزندند و گروهی با تلاعی ابراز تعلیم بدیل به استمارتکنگان شده اند که خون کارگران را می مکد و از شرکی کارخانه بهره کش می کند، عامل اصلی مبارزه کارگران علیه سرمایه داران بوده است.

(ر) - مبارزه در رهیه جا که چنین وضعیتی ایجاد شده، برای یادان بخشدند به متغیر قابل تعطی جریان داشته است. همین مادردیدم کارگران در این مطالعه خود بخود و ناگاهانه بجای شناختن علل های اصلی فقره و شوره روزی خود بجا از شناختن طبقات سرمایه داری و قدم برداشتن راه نایودی آن بطور اکاهانه، مانند را پیازرا کار اعلی است می کند که برآشان می رفت می بند استند. آنان که در جامعه سرمایه داری بازخواست نیروی کارخود را بدیگی می کردند مشاهد می نمودند، که این مانند است که هرچقدر پیشتر تکامل می یابد، بیشتر جای آنان را می گیرد و سبب میگیری و گشتنک و شدت استمارتی شود. می بازهم توجه کردیم که کارگران در جریان مبارازشان روز بروز با مسلسل تازه ای روز رویی شوند. حال ریگر این ضرورت پیش آمده بود که بروشی راه کارگران بیش از شد - چگونگی رهای و به شروعند مبارازشان می گردند. درین شماره می بینم که اطمین کوششها درین راه چگونه تحقق یافت.

### ۶

باتوجه به آنکه در آغاز شد جامعه سرمایه داری شریوه تولید تازه و درین آن تعداد بین دو طبقه ای اصلی این جامعه هنوز در مراحل اولیه تکامل خود بود، مبارزه در مطالعه ایندیسی جریان داشت،

#### دانش آموزان تزمکش

شهر (تهران) ناملاً روش میگرد. در مدارس جنوب شهر تا نیمه سال تحصیل معلم وجود دارد. داشت بود اختیم و متوجه شد به که مبارزات طبقه کارگرد را درین نظام بدیل که تعداد اندک از مدارس با وسایل راهی را زیر نگیری بوده است و رهبر کجا که سرمایه داری قدم نهاد، اینکیم، مراحتی والمان . . . به همراه خود درین حال که شکل نازمای از ستم طبقاتی و استمارتیجاد کرد، مبارزات اشتبث ناپذیر و خود بخودی کارگران با سرمایه داران راهنم

سیاه پاسداران کیست؟ چرا من خواهد کرد ها  
رایکند؟ چرا جوانهای را به کشتن من دهد؟  
وحقیقت که به خودش آدمدید که از خلایشان  
خیلی درود شده است و حقیقت که خانه برگشت دیگر  
هوای کامل نباشد شده بود.

روز بعد خانه آنها برآمد شده بود. صیامی  
بدرانهن سیاه پنهان پنهان بود اگرچه او این تابوت را  
در مدرسه شرفت و در حالیکه چشمهاش از گزینه پنهان  
کرده بودند، در گوشی چیزی ایجاد نشسته بود که اندیف خود  
ها چشم را داشت. تزیینی که طوری بود که درست  
بدین اولاد وکفت. من تویی شد و شنید. چه اتفاقی اتفاق میدونم  
چه مالی داری.... و استثنای خواهی شد و  
چی بکم. آنوقت گافه سفیدی را که تاکرده بود از چشم خود  
در آغور وکفت. دیگر نیز برای آوردن، نیازمند سیرات  
سازم. احمد کاغذ را گرفت و باز کرده استداران  
بعد میگذاشت و انتخابی بود. هزار تومان، بالای آن را  
حروف درشت نوشته شد. بعدها  
فرزندان خود را از سیاه پاسداران بیرون آوردند.

که آنها هنوز نیاده بود. «اهریز! ظاهرا باید میگردید  
و، «گاردنی ها»، به طرف مادری زندن. ولتشی  
به همین زندگی جای نمیتوشد؟

راستی چرا صطفی گشته شد؟ لااقل اگر  
آنوقت ها که باهم چلوی گارد، «محاذات» هم میگردید  
گشته من شد. من گفتند باید جنگید ما ماحلا چی؟

بداشطچی؟ در کردستان که اولی از شاه نیست  
میگردد صطفی نشسته بود که، «اینجا اتری اینالیهان  
شاه و آنها نیست».

آخر گوشی عود که همه کرد ها خد اتفاقی بی پاشند؟

همه آنها بکارهای خرابی ایجاد نشاند؟  
جایی رهند؟ اگر اینها همه خدا اعلیان هستند

پس مردم، مردم که را زیوی گردید چه کسانی  
هستند؟ نه همیشه مغلوب جوی رضی الله... چهار

حالا در چشمی اسلام میباشد صطفی را بفرستند  
که...، بهمه های گرد ها، «رایکند»، خودش هم

کشته شود.

«جهه های کرد ها را که به آنها نزدند، بود...  
وقتنی من نمیدید دل آدم کیا بی شد...» راستی

چه کسی از این جوانان سودمند مرد از استاد  
مکرر کرده ایه من خواهند کنیو تواند بده اینها

بدهدنی خواست خواست خواست خواست خواست

طبی خوبیه نکر میکرد. همیشه بظاهرات را بینی

زادریان چادر فربود مرد. پدر هنوز از کاربرنگسته  
بود و گویا مرد هائی اندیز وقت نداشتند که منتظر  
آمادند. مرد پاسدار است در جیس کوچ و چیزی  
را را روی چلوی مادرگشت. آنها آنها هم را  
از چادر خاستند سرعت از دراثاتی و از دریمان  
بیرون رفتند.

جنوز پاشان به کوچه ترسیده بود که همیار صحبه  
مادر را تمام اتفاق و بعد تمام خانه و شاید تمام مطلعه  
را فراگرفت. احمد در حالیکه لایه ای از اشک را درخیز

حیاط را بستری ش تارکرده بود. لحظه ای استاد  
همدسرعت از خانه بیرون زد.

چهره صطفی بک لحظه هم از نظرش در نیشید.  
پارش من آمد اش را که صلبی نادیر وقت دارد -

خیابان سرکرد بود. شب اول محرم، حکومت ظاهی  
صدای مسلل ها. نم نیز بارانی که من آمدواد -

صوتی راهی شیشه چسبانده بود و انتظار او ایستاد  
واصالا خود آمد. ابروزها که در ظاهرات اهواری -

روشن سواری کرد و سمع ظاهرات را بینی

لئه صطفی را میشی آمد. باد آن روز های افتادم

لیل

## گوئیست ها...

حنا، فروخا، قصیده و ایلخاط صطفی سیوب میگردید  
کاریانه از ای سخت و مزدی که داره بیند سفری  
کم بود که نه فقط تعداده از کارگران که دهار نشان  
رنگی و سرعت سیاه مناج قوت نایموده بودند  
اصطراراً تن مکاری را زدند...  
اوشن نزدیک ساخته ایلخاط و غلایه فرن هم بدست  
که در آن زمان بایتم وجود جنه های تازه، در آن  
میچ شناعی از سرک قانونیدهای تازه میگردید  
وطبقاتی و بعدند ایشان را زدن زدن سیه  
من نتیجه رسیده بود که ایشان میخواست ایلخاط  
لایوال و بخصوص شعره ترمیت محیط خود می باشد  
اگر آن رضد رتیت و اصلاح مردم هستم، باشی  
ایشان را از شرایطی که میگردید جنایت و سرک میگردید  
ایش جنه های میتی شنایه روشترکان گفته  
و بعده داشت الیکن در آن بیک نکه ایامی را میگردید  
تی شد. این نی تی تی است دری که ایشان را  
خان از هست جامده و بد ایشانی که کی ایشان  
سرایط شناوه ایشان را خود زندگی آنها بی خودی میگردید  
ست. واپنکه مختار ایشان را ایشان را  
راشده کاریخالت ایشان است و درسته ایشان ها  
در رحایمه در رایخاط میگردیده بایشان  
من بایند به این ترتیبه طبقات کلامه میخواست  
شده اند و شرایط جامده، شرایطی طبقاتی  
چهارچوب جامده طبقاتی در رحایمه ای کشید  
گرفتار نیظام سریایه داری است حقیقتاً ایشان ایشان  
تحلیلی در زیرایی که میگردید این رفت، میخواست  
نیود ایهای دیگر تم طبقاتی باشد و سیه، و اصلاح  
و ترمیت... وجودند ایشان و نیازمندی که ایشان  
حاکم پارچایند و سرگون شده اند انتظار اصلاح  
نیظام سریایه داری بیودند و ایشان را و چلوگری ایشان  
و خسارت بیودند و شنیده ایشان را و نیزه ایشان  
آن ایشانکل مرگ رهایی میگافتند و زندگی میگردید



اوشن که برسان ۱۷۰۰ در معلم خانه ایلخاط  
هر چیزی روسیه در اینکه ایلخاط را میگردید  
به شاگردی میشی که شرکر گردیده ایلخاط  
ایشان ایشانی که بود ایشان که میگردیده ایلخاط  
برای اوین بعد ایشان شرایطی عرضه شد که شرایط  
سروه نیولا نارک مستحبت او را ایشان کار خانه ایلخاط  
بیشده کیرد. ایدرا میخواهد که بیشتر هرچه روشند  
چهره جامده سریایه داری را ایشان را خود ایلخاط  
نیولا نارک را ایشان رفته خود ایشان را خود ایلخاط  
بیشی هی من بیم:

عطکر و لارا و نظرات، رایرت اوین، «بخدمت  
شان من دهند که باهش نلاشی که او چه  
تاییدی میکارند نظام سریایه ماری بخراج را و تایید  
چه خود را ایشانی که میگردیده ایشان  
بیو و بیار و محل های ایشانی که صد ایهای ایشان  
کاریز تیار و خلیل های ایشانی که صد ایهای ایشان  
باید را زدن و ایشانی که میگردیده ایشان  
بیو و بیار و محل های ایشانی که صد ایهای ایشان



## کمونیستها ...

برگزارشد! روزنامه های امداد و امداد اوتوپلیس  
دکوت چیدند و ترازده تحریریات کمونیست  
اورد امریکا با عدم موافقت مواجه گشت . تمام  
سرمهای خود را در راه راه برگران اختیه  
بود و شکست داشت .  
اوستنیما به گارگران روی آورد و دست سر  
مالین آنها با غمایت زندگانی  
خود را گذاشت . ( انگل )

نظرات سویالیست های تخلیه قادره بودند  
درین نرگ فشار و ظلم در جامعه سرمایه داری راه  
درستی به طبقه کارگرانشان بدند ، و مبارزه خود بخود  
اوراد رجهش که می پاید سیرکند و هنمنون مازد .  
سویالیست های تخلیه ، هنوز از قواین مادی تاریخ  
از مارزه غلبهات و اوضاعیت سیم طبقه کارگر  
برای سرتکنی نظام سرمایه داری بی اطلاع بودند ،  
برای همن هنوز هنوزی سابل عینی جامیه پاسخی  
نمی توانست بدند ، این بعده مارکسم بود که  
با جمیعتی شام تجارت و برآسانه هم پیشرفت ایمی  
که در شرایط جامیه و در حوزه علم چه در زمانه اقتصاد  
وچه در زمانه فلسفه و چه در رابطه با کوئین ای  
سویالیست های تخلیه ایجاد شده بود راه راه ایمی  
طبقه کارگرانیايد . آنها نیزه بلکه  
اسام مالها و سالها غماالت و سنجیر مازرات .  
لیفانی در تمام تکرار های سرمایه داری .

( ر ) تحریریات اوین ، شکست خود ، ای  
امن شکست تباشکت ( ر ) و هنمنون های پندارنای  
و تخلیه بود راه راهی جدا ایش علم و های طبقه  
کارگر ، عین که بسته برگردان و ایمهات مارزه غلبهات  
باشد فراهم ساخت . آن علم مارکسم است .



## دانش آموزان رحمتکش ...

داری و استه در جامعه وجود دارد ، تایند کسان  
سرمایه داران و وزیران و استه و مردمی هر ایمی  
از علم و داشت و زندگانی توده های ای همی داشته  
ست و استمار خود بر توده های محروم غرامی  
کوئی راحظ خواهند کرد و شاید انتظار دیگری .  
وقتی که خروهای اقلامی شماریکشند -  
مدارس راهان خدن و همی و ایمهات راهی پرسان  
تحصیل شایان کلیهای متوجه و استه ای همی  
من کنند رصد تحریف سمله برآمد و در مطالعه  
بیمه خواسته سکوت کرد و در مطالعه ملا عمار .

اجمیاری بودن تحصیل سفسطه جوانان من گویند  
نمی شود کس راهیزی به تحصیل داشت . اما  
ماش کوئی هم افراد جامیه خواهان تحصیل  
هستند . این هم اجمیاری بودن تباش رولت را -  
مجھوی من گذکه شرایط لازم راهی ادای تحصیل  
فرزندان رحمتکش فراهم گرداند . راهی داشت .  
امزان رحمتکش هزینه تحصیل اختصار داشت  
تابستانندیه جایزه شد . راهی کارکرکه توی و ورق آنها  
را راهی درس خواهند . . . من نیزه فعالانه  
به تحصیل علم بپرسانند .  
باید امکانات اموزشی یکان و کامل ( ایمی )

هدیه شد .  
کند از این خود را فیار کند و نشان رهند کنم  
آن نهشها ایمی از صارزه علمی امیریالیسم  
ند از شبلک چنان راه خواستاران خواهه ایمی  
بندازیم و بودی توده هاوند لای راهی آن راه راه ایمی  
طبیعت شان راه راهی هنونه هش بند و بیش  
انچه بر حمایه های تقاویت توده ای را خویش عنی  
کند . اگر از تجاعیار ای و فیار های مزبوره می خواهد  
خلق را زیارت و ایمهی بار ای و اما خلق می  
تغیره های خوش ، تغیری توفنده خود را شکار  
می سازد ، و در سیلاب همیشی آن خوشی قدیم  
می گذد که در پیتام من کوئی نهش بزیزه پیرو خوشنوار  
امیریالیسم حمایه های ایمی دارد . ( مارک برازیکا )  
امیریالیسم ( مارک ) ، چلگوگن و فرمان منزد  
آری ، ایستگ تام سروهای ایه ، همچنانکه تا نکون  
کوشیده اند باید همه تیز و توان خود را در می  
روشن کردن هرچه بیشتر که میگردند تا خلق می خواهد  
چویز بار ای و ایمهی ایز ایه امیریالیسم ، ای خوش  
باوری شدت به عیت حاکم ای که نمی خواهد و نمی  
می خواهد برادری و بانکه برخیزی خود ، بسیو حسی  
نهایی طالع هر نوع و بایستکن به امیریالیسم چیا و گز  
بیش روی و بایستک ایست که خواست باره ای پیکر  
علیه غارتکشان من مانند و این نیزه کارگری است که  
سازه بیهی ررحمتکش آزادی و استقلال واقعی راهی  
می خواهد من شناختی تواند بلکه همچنین نمی خواهد  
هدوست به همراه ای واقعی علمی امیریالیسم بزند ،  
بندازگرگان کارگرانه هادراند که تاچه حد سازشکاران و -  
لحظه به لحظه بیشتر در بیاند که تاچه حد سازشکاران و -  
علیه امیریالیسم تباش زحمتکشانی هستند که می خواهد  
هند از بین وین امیریالیسم راه راه ایاند ، ولحظه  
به لحظه بیشتر در بیاند که تاچه حد سازشکاران و -  
عیت حاکم نه تباشی تواند بلکه همچنین نمی خواهد  
هدوست به همراه ای واقعی علمی امیریالیسم بزند ،  
بندازگرگان کارگرانه هادراند که امیریالیسم  
چگونه و بیه چه طریق شیوه کارشان رایی مکدوسر .  
امن راه سرمایه داران بهم بجهت منافقشان ، در  
هدوست دست آنان گز ارده اند ، بندازگرانه در بیاند  
که ساره بامیریالیسم نمی خواست انجام بیند بزند ، جز  
آنکه سرمایه داری و استه به امیریالیسم از بین وین  
نروافتند و این جز بیست خود آن راه ایمی  
بندازگار ای کیزد فریادشان : مرکب امریکا  
بندازگ برازیکا ، مرک برازیکا .

بندازگ و سرمایه دارانند که بزند سرکوب زندگان راه  
زینشان راغارتی که تجاوز کاره حاصیل  
که مردمانه بسیور منافع خود شرایط بیداری راهی  
راه آنها تحمل نموده اند . بزند اتحادیا عینی  
کارگردگی گوئی ایمهی پیروزی برازیکا .



ارشیو استاد سازمان پیکار در راه از ای عینی دارند

## ۱۳ آبان

حدود ۱۵۰۰ تقریز دانش آموزان تظاهرات کردند و شعار دادند. فالاتر ها نتوانستند با شعار دادن، صفوں آنان را پراکنده کنند و میادیت به تیراندازی کردند....

شوارد دان (شوارد) ازی (شوارد) ازی (شوارد) ازی که برای این راه بود) آنها را پراکنده کردند. بعد از این تظاهرات ۱/۰۵ جلوی اموزش صدر را شلیع بود و درمیان آنها اتفاق صورت نداشت. مبارزات دانش آموزان از بین دفعات این روزها به میزان زیادی بود، از جمله ارتجاع برداشت. این مبارزات کما کابان آنامه دارند.

جمع شدند. اینباره بخوبی با غالا نژاد خسرو آمدند و در میان آن دوچه نا از دختران زخمی شده و از فلات زده هم زخمی شدند.

روزیه نشنه ۵/۱/۲۹ بصحب روزیه شنبه با توجه به اینکه شب روشنه نشانه شدند «شواری شهر راشیون» صحبت کردند و در ضمن آن دانش آموزان تظاهرات کننده را تهدید بیرونی کردند.

## تظاهرات دانش آموزان ...

برخود جمع کردند (عده ای که تسبیت میشوند) دانش آموزان هزار بسیار که بودند (دشمن اسلامی) و شماره‌ای «حزب حفظ حریم الله، رهبر قطب روح الله» بکسره مداس را توکل آمریکاست، عنده لکنند. دانش آموزان به حد استثناء و در حالیکه شماره‌ای باشد ای بلند کنار میکردند، به راه افتادند. شماره‌ای بسیار عبارت بود از: «حصص حیزمه»، «ارتجاع میزمه»، «مرگی

نهایته»، «نجمن اسلامی دانشگاه»، «آرامش خودمان آرامش برقرار باشد». یعنی از دانش آموزان: «این حرف گفته است به امیریالیسم، چون ما بیرون میانه با ارجاع خاطلی، هیچ وقت نموده و اینیم با امیریالیسم مبارزه کنیم».

## روستای ما

### ارجاع دانش آموز

(این شاهد شویت یک دانش آموز برای هفته نامه ۱۲ آبان احوال را دارد.)  
در روستای طایل سال قبل درسیه نبود و در تکمیله درسی خواندنم و معلم هم کم داشتم و نهاده از اینهای سیاه را که نگذشتی این جهت پنهان نمیشود - اما الاخره خود نجسم گوختند بیو جمع کنند تا مدرسه بسازند، ملزم روستای ماید ون کلک دولت بیو جمع کردند و درسیه ای ساختند. حالا مدرسه دارم اما معلم ندارم، پدرهایان کشاورزی میکنند، آنا نکمال کاری کنند تا خرچ وزندگی بکمال خود بیو را درآوردند. آنها امسال می خواهند بیک موتور کشاورزی بخرند که قیمت ۱۵ هزار تومان است - پدرهایان آنقدر باید کار کنند تا بیو این موتو کشاورزی را بدند، جاره روستای ماغوب نهاد موقتی می خواهیم بهایم مدرسے عبد الله آباد بیک ساعت بیول می کنند تا به مدرسے برسم برویم بیک وقت - زستان باید آنقدر زین بنخیریم تا به مدرسے برسم چون جاره روستای ماهه کل است و مسلم سرمه خودیم هر سال ملزم روستای منطقه بیول جمع می کند تا بیو جاره درست کند طی بازهم این جاره تا سال دیگر خراب نمیشود.  
امروزنگاهی را مشاهده نمایم.



خدوشان را بادرین خواندن توام کنند و تظاهرات نهادند، بکاره از دانش آموزان بیک لذا سهارقش طی عده «بنیشوری از آنها کلاسی» را تحریر کرد. و در حیاک مدرسه به مصارف اداری بروز اختفت. این بعد از غیره موقیع که مدارس عملیات نهادند و مدارسه نظرها نبرون گشتند. این انتقام گیم که این دانش آموزان خودشان را برقراریاند. این حرف نکنی است. هیچ وقت تمیتوانیم «امیریالیسم همچه زندگی» - تعبیره اینهاین اسلام این شوانت دانش آموز را بفریبد. دانش آموزان حرف اهراتانید نکرده و حرف دوست خودشان را تائید نمیکردند و اینthen صحبت از دانش آموزان دسرمتانهای مختلف روحیات این خدای دانش آموزان را تأکید نمیکردند. بعده نظر مؤلفی خودشان را کلار میکردند - بعد از اینهاین دانش آموزان را برآوردند. بعد از اینهاین دانش آموز را برادر دادند.

بر ارجاع و «حضرت مرتعیه با خراج باید گردید»، «که میکری محل باشد باید گردید»، «که شریعت اسلامی همان استاد میگوییم»، «اتحاد سواره - بیرونی»، «آنها بدست دیگر گذاشت راهنمایی کردند شماره دارند میکنند و میتریب یک عده از دانش آموزان از جمع آمدند. که بدست دیگر شدند و دو دانش آموزان از همراهی خودشان که از طرف آموزش صدر را بگشتند داشتند. این شماره ای دهان هستگم خلا و بر شماره هایی شماره ای «دان و پوشخ از اراده اولاد - سرمایه در انسانهای اولاد» محو شوند اینهاین جلالی حقیقت دانش آموزان را نمیگردند. میبینیم اینهاین جلوی آموزش صدر را که رسیدند. بعد ساعت ۱۲/۱۲ دانش آموزانی داشتند، اعلیه هایی که از طرف فلات زدهای پیش گردید و در آن ساعت دانش آموزان پاره شد. ظهر که دانش آموزان در بیرونی اداره آموزش صدر را جمع شده بودند، در آنی، شماسته دانش آموزانی دانشگاه بیان داشت آموزان آدمه را مسافر ای بلند شروع به صحبت کرد. بعد پیک بلند کوی دستی آوردند. این دانش آموزانی داشتند که «اللهم ما بلکه ای میری میرزه میکنم»، «اللهم ما بدرد ای خالک خودمان نهایت آشیانه بگیر» شدند و همین خاطرشاها میریتی داشتند. تبعین و تظاهرات بزینه وابن علی شماسته های اینهاین اسلامی دانشگاه بیان داشت آموزان آدمه را مسافر ای بلند شروع به صحبت کرد. بعد پیک بلند،

اجازه خواست و میکردن بلند که او بستگانه و نکت «امیریالیسم کم میکند»، اینهاین از دانش آموزان دنیا و میکردن بلند که اینهاین اسلامی همچه زندگی نمیکند، اینهاین دانش آموزان را خود طلاق (راش برقراریاند. اینهاین ارجاع سایه ای داشتند. هیچ وقت تمیتوانیم «امیریالیسم همچه زندگی» - تعبیره اینهاین اسلام این شوانت دانش آموز را بفریبد. دانش آموزان حرف اهراتانید نکرده و حرف دوست خودشان را تائید نمیکردند و اینthen صحبت از دانش آموزان دسرمتانهای مختلف روحیات این خدای دانش آموزان را تأکید نمیکردند. بعده نظر مؤلفی خودشان را کلار میکردند - بعد از اینهاین دانش آموزان را برآوردند. بعد از اینهاین دانش آموز را برادر دادند.

# تظاهرات دانش آموزان دیوبستانهای ارومیه

ملرزو دیوبند "مرگ بر ارتقای" ، مرگ بر فلاح انتیت "حدایت" دانش آموزان ، متحصلن درسالن نیزهایان ریخته و پنهان آنهاست که در بیرون از بنا طبودند - وارد اداره شده و همکن شعارهای فوق را با صدای بلند دارند . بعد به درختان اداره هجوم برداهی خود جوپ شکست تابانه "میرین خوش" کیته ( غالانه ) مقابله کنند . آنها چه باره اند دست گرفته بودند و شعارهای "مرگ بر ارتقای" -

**دانش آموزان در حیاط آموزش و پژوهش با صدای باند و گونبد شعار می دادند :**  
**"دانش آموز می نزد مدیر تجایع من ام زد" .**

دانش آموز جزو دیوبند - ارتقای ملرزو ، "ادخال" ، مبارزه ، پیروزی ، "رازی" ای اداره می دارند . در این جنین بود که پاسداران کمیتۀ مرکزی ( کمیتۀ مرکزی در چند هف می اداره آموزش صورش است ) رسیدند و ۳ - تیرهای هوایی شلیک کردند . خستا در این هنگام مخصوص از فلاح انتیهای سالمانه های خود شلیک می کردند . با اینکه ندش تیرها را دانش آموزان به دوگاهه تقسیم شده و در حالیکه "مرگ بر ارتقای" می گشتند . اداره آموزش صورش در چند دست به اعمال پیکایت در کوجه های نزدیک اداره "آموزش صورش" شماره دادند . درحالیکه باری مقابله پاسداران بیشتر دانش آموزان در چشم ای پاسداران کمیتۀ مرکزی شد . تیرهای آزادی پاسداران به گفته بیرون شدند . تو در چشم کنند گان می کوشیده تقابل به بودند . این رخدان شد که آنها همچنان مردم بیش از هشت ساعت هیئت حاکمه بیرون شدند . - روز دشنه ۲۸/۸/۸۰ امروز که دانش آموزان نسبت به اعمال دیوبند



می گیرند . دیوبند دانش آموزان علی

**ماحسنی مرتضیع ، نهاینده امام  
بیشترانه رویمند یکی از دختران را از  
صورش کنده و با سیلی او را به قمی زد .**



آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه ، در فلاح ایشان پاسداران به خشم آمده بودند ، هرچه بیشتر از

رومیه مبارزه دانش آموزان ارومیه آغاز شد . مبارزه است و درست در زمانی که هیئت حاکمه بیرون شد . مبارزه خدا امیرالبیستی می داشت ، دانش آموزان مبارزه شان شان می داشت که ارتقای تابه چه حد اینها که در خواستهای ایشان آنان مبارزی زند و دست به سرکوب مبارزه شان می بازد . دانش آموزان دیوبستانهای ارومیه که خواسته ایشان کلا سهای درس هستند پس از آنکه در ریاض خواستهایشان از طرف مدیران دارس ارومیه پاسخی نشندند ، پس از این بعده انتظار مستقیماً به "حقیقت" "دربر آموزش صورش استان ارومیه" مراجعه کردند . و خواستهای رایا و دریان گذشتند . دیوبندیک ، بایی انتشاری در خواسته دانش آموزان را رد کرد . دانش آموزان در جریان چند بروخود پیش از پیش را چهره واقع محققیت اشنا شده بودند . از جمله حقیقت در راسته با خواستهای دانش آموز را نشرازی راهنمایی دست به اعمال خشونت آموز زده و بجای پاسخ به خواستهای آنان ، بوسیله مژده روان کمیتۀ مدیر این حله کرد و دهد ای از - دانشجویان را خسی خوده . گفتند است گفتن - چریان ملا حسن متوجه توانده امام پیغمبر را وسیعی بیک از دختران را از سریش کنده و با سیلی ای راهی زمین اند اخته ویشی بیک از دانشجویان پسر را دستگیر و بکتی بود . وحدود ۳۰ نفر از دانشجویان را دستگیر و بکتی بودند .

درین این حوازث بود که دانش آموزان تصمیم می گیرند در مقابل "حقیقت" ، این عامل سریسره ارتقای ، شدت عمل بخراج دهند و سه اداره آموزش صورش رفته تحسن کند .

بدین ترتیب ساعت ۱۰ صبح ۲۲/۸/۸۰ همه دانش آموزان دیوبستان معنوی ، بطور منظم و با شکل کمیتۀ انتظامات ، به اداره آموزش صورش و پیش دانش آموزان دیوبستان شریعتی شاهد خت ، فرد و سوسایر دارس هم به آنها



می پیوندند .

در همین زمانها مد ادارن هم به اداره آموزش و تازمانیکه پاسداران اداره هجوم نیزهایان تصمیم می گیرند تا زیستهای پاسداران ای اداره هجوم نیزهایان همچنین از میلچه ، به گفتگو نشینند . دانشجویان



دانش آموزان فقهیه و از مدرسه خارج نمی‌شوند.



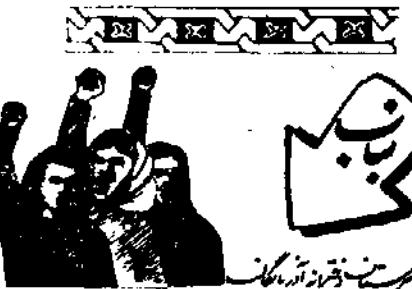
روزنامه ۱۹ آبان - در بهمنستان «تصیری» بین فال‌بین او خواران مجاهدین که درگوشی هایا لای کتاب صوتی فروختند رگری اتفاق می‌افتد که منجزه باره کردن بلکارها، پیغام‌ها و کتابها مجاهدین و زخمی تند یک از هوا اران مجاهدین خلق می‌گردند.

من حادثه ازین قرار است که «انجمن»، غالباً های تحریری کتاب و روزنامه از هرگز بی‌اسازانی در جایات سوم (که رهافتاده و کترات‌افقی افتد) کسی بداجابرود (فروختن شوپهای انحصاری هیچکس و ارجاعه مجاهدین موافقت نداشت). بر پیش‌نیوان برخورد که اتفاق رئیس شما از این آموزان باعتراف می‌کند که اتفاق رئیس شما از چهارمین تحریری و قضاایی دیگر برخوردی بین فال‌بینها و مجاهدین رخ می‌ردم. فال‌بینها اشمار، مجاهد، می‌گردند که بهایها پیش‌نیوان تابود است، «کوئیست»، مجاهد بروگشی، به هوا را از جاهدین حمله می‌می‌شوند. که رئیس پوش مرتجعه تمام کتابهای پیغام‌ها که مجاهدین طبق آنکه درست کرده بودند می‌دارد می‌گند. هواران با این پیغام‌ها بسیار فقط باشمار، امریکا، آمریکا، دشمن خلق اعلان «با مرتعیین پیغام عویض». این درگیری با این طبقه از معلمین و دانش آموزان مبارزه باشند.

## کنایه: وای به روزی که شود آشکار نقش تو ای مرتعیع جیره خوار!

بر اساس خبرهای رسیده موابل ارتقای با همکاری ساواک برای کنترل و تغییر مقابله های زندگی اراحتی هرجمه بیشتر هیئت حاکم دانش آموزانی را تحالفی ایجاد اسلام اجیر کرده بیاران حقوق آموزش لازم، آنان را برای خبرهایی و تحت تطری ایشان مبارزی، استعداد من تعاوند! طبق همین خبر، این نوع مزدیوی در تمامی بهمنستانها و مطلع آموزشی و ادارات شهر درست آجرا است.

بعد این ایجاد کشید، وحالا به نیروهای صادر و انتظاری که سالها زیر شکنجه داشتند روزیم ساقی بوده است، برجسته اند اینلاع می‌زندند.



دانش آموزان اند بگفت

چهارمین بیانیه تاریخ ۱۲/۸/۱۳۹۸ ناکهان همچنان بیان بجهه های مدرسه ایجاد می‌شود که بهایشی هاران خواهند اخراج کشید. وقتی که خبردین - درنتیجه تابندگی استانداری بهمنستان آمده و می‌دانش آموزان قول میدهد که تا هفته بعد خواسته بشان رایبرایوره کشید. دانش آموزان کل و دو دوچیه مدرسه شایندار را خود که در جهاد مدرسه جمع شده و دست به راهیهایی می‌زندند. در طبع راهیهای شعارهایی باین ضمون میدهند: «مخالفت باهرگویی، کارآرچاج است» - «رجایی تکمیل از تجاهی» - آزادی سیاسی می‌خواهند ماست» - «جنگ‌نمایی خون دادیم، ولی هنوز نزدیم».

دانش آموزان بعد از تمام ندن راهیهایی به تزویج مدرسه رفته و از روی سخواهند که رئیس آموزش پیش‌نیوان رفته و آنها جواب بددهد، لحظاتی بعد رئیس پیش‌نیوان از مدرسه می‌باشد، بجهه هایی که این بیانها شده درین سرایشان جنین می‌کند که این بیانها و است هستند باید «رداین اخراج شوند، بلکن از این آموزان باعتراف می‌کند که اتفاق رئیس شما از چهارمین تحریری از اینها او است اند آیا لیل و درگرسی براین توجیهها خود را دارد. رئیس برگشته و می‌گوید که من چکار کرده از پیش از این اخراج شوند، بلکن ویگویند که بهایها باید اخراج شوند. بجهه های پیش‌نیوانه کسی از دران امده، هیچکی اینکار را

آنکه های امتحانین بنایی  
دانش آموزان پایانی و باسته هستند ۹  
پایه اتمامی اخراج نشوند!

پیکرده، مرگ برخورد، وی می‌گویند خوب استها - پیش از این گویی ملا سهرباری - شانه ای - و آخوند و اعطی بجهه های همکنی باعتراف برخاسته می‌گشند که این اشخاص رفاقت می‌شوند که می‌توانند کتاب کشی پا در اردو پیکری آخوند و آن یکی دیگر از جماعت بدستهای بتاب است. و ما اینها را قبول نداریم. خلاصه بجهه های می‌گویند که اگر اینکار صورت نمی‌گیرد مدرسه راهنمی ترک خواهیم کشید، در آخر از طرف دانش آموزان تعبیره انتخاب می‌کنند که از رشته این سنه ملکیت می‌شود و نظرات دانش آموزان مطرح شود و تایید آن باعترافی که می‌گشند که مبارزی این کار را روز جلت میدهیم اگر اینکار را علی شدید درست به اندامات شدید تری خواهیم دید. دلکه دانش آموزان شدید که دانش آموزان در مدرسه بیانند، در همین حین که اعتصاب در مدرسه بسوده شده، ای جماعی بدست از طرف عناصر مستاخذه شده که اینها انتخاب کرده بودند به مدرسه رسیده و داشتند - آموزان رایه خاطریستیا ای ای امریک زندند



بیانیه:

روزنامه ۱۹ آبان ماه که دانش آموزان بهمنستان امیرکبیر، بخاطر برای این دشمن خواسته هایشان از رفتن سرکلاس خود را از کرده و مدرسه را تعطیل نمودند.

جریان از این فرارود که حدود ۱۰ روز پیش دانش آموزان به عنوان اعتراض به خراسی جاده و نیزون آب و برق در بهمنستان دست به تخصیص می‌زندند. درنتیجه تابندگی استانداری بهمنستان آمده و می‌دانش آموزان قول میدهد که تا هفته بعد خواسته بشان رایبرایوره کشید. دانش آموزان کل و دوچیه مدرسه شایندار را خود که در جهاد مدرسه میدهند. امیدواریکه هفته و قشن دانش آموزان از متوجه می‌شوند که هدف تابندگی استاندار اگر کل زدن آنها بوده رسته جمعی بهمنستان را تعطیل نمایند. آزادی سیاسی می‌خواهند ماست - «جنگ‌نمایی خون دادیم، ولی هنوز نزدیم».

دانش آموزان از رفتن به سرکلاس خود را از خواسته هندگرد. ●

**دیدگیری: هیچ کس حق ندارد بحث سیاسی کند، وظیفه شما مدرسه آموزن و دوچیه خواهند داشت!**

بهمنستان رایی «بحث سیاسی را در داخل دیدگیری من نوع اعلام کرد. او گفت: «هیچ کس حق ندارد بحث سیاسی کند وظیفه شما مدرسه آموزن و درس خواندن است اگر بحث سیاسی شود تصور آن کسی است که بحث را شروع کرده است. این دستور امام و دطبیت و وزیر آموزش همراه است که بسته تمام مدارس ابلاغ شده است».

## دیگر نیز:

درین ظاهرات دانش آموزان و مردم علیه شهادت نلا بن شهر، هیئتی برای رسیده کی از امیرکبیر اسلام شد. در این طبقه باین موضوع می‌گذرند که همایش همراه صاحد ایراد دانش آموزان بهمنستان رایی سخنرانی من نکند. سخنران از اینکه مردم شهادتی نداشند و قلایی را نهاده برخورد نمودند، گله می‌گردند: «... انتقام را شاگرد پدیده جراحت این که حکومت جمهوری اسلامی است بسته به حکومتی بی تعاوتد استه اید و حتی دست به ظاهرات و راهیهای مترقب حطمه کرد و گفت: «... این روضنگرانی که دم از علیق سرهم نمی‌زنند... این سازمانها و گروههایی که بسته می‌زنند... هیئتی بودند که نای بروز بازیم شاه سازشی کردند و حالا این عالمی کنند...!» پیشتر کسانی که این سود مدار و کارهای شده اند، دسته ای از سخنرانی او را دانش آموزی می‌عنوان اعتراف می‌کنند. پیشتر سکوتی که گردند و در جریان انتظار باهم از او چشمکی نمایند و در می‌رسیدند. و همچنان که نگذارند در می‌رسیدند و کارهای شده اند، پیشلوی سکوتی که گردند و در جریان انتظار باهم از او چشمکی نمایند و در می‌رسیدند. و همچنان

# خبرنامه دانش آموزی

دانش آموزی تبریز

ابتعاد میلزد

خلق ما دانش آموز از اداره  
سایه کرد.

بالاخره در این فشار بیمه ها ،  
دانش آموز ارها می کنند و مملو تها  
به پدر او قشنگ می کند .

مرسلی ، کس است که واقعاً آبروی  
هرچه معلم را برده است .

او جسمانی برسکلا سها گذاشتند تاریخ آموزان -  
مازدراست انسانی کنند .  
بجه ها از متوجه ای که ارجیب یکی از این جاسوسه  
خود فروش درآورده اند ، شماره غافل کنن که ها سپاه  
پامداران و شهریانی و ... را بدید کردند که مطمئناً  
برای دادن گزارش مورخ استفاده قراری داد .



خواستاری دارد رجایی شوند معافون وی نکته بود . او  
آنچه نیست وقتی تعاینده های دیرستان پسرانه  
با اشاره و زارتختانه من روید می بینند رجا کسی  
درد فترشته و آتش آموزان ایشان را و شروع به صحبت می کنند که معافون  
وی ناه ایده داشت آموزان می دهد که روزه شنبه  
۲۹/۸/۸ با یاری ملاق قات کنند و وقتی داشت آموزان  
می گویند نامه را به مردم زنید وی می گوید و زارتختانه  
مهرداد و دیرزیمه شنبه هم داشت آموزان مدارس -  
شهرزاد ، خاطری ، غزالی و ستارخان به آنجا رفته  
طبی بازستن استند بارجایی ملاقات کنند .

روز شنبه ۱۳/۹/۵ نایانده های شاگردان توان  
نمیستند بارجایی ملاقات کنند بروجایی به آنها  
قول دادند بارجایی ... حذف دروسی که پارسال  
هم حذف شده بود حرف آنان را بدیدند .

●●

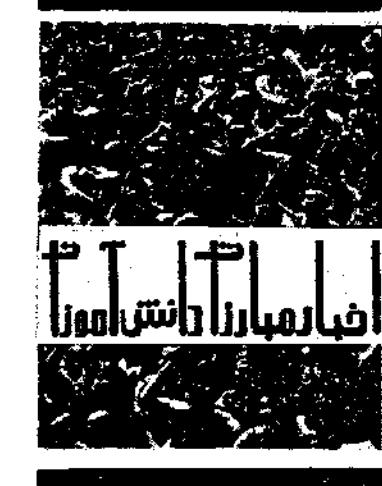
به ظاهرات خود اراده دارند که در این موقع  
دانش آموزان با شعارهای تند ( مرگ بر مرتبه )  
مالخوند نمی خواهیم بیرون کمین نمی خواهیم ( )  
به ظاهرات خود اراده دارند به عمل خوب اعتراض  
کردند ، در این موقع مدیر مدربه از دانش آموزان خوا-  
ست که تعاینده کان شوراها بایتد و بعزمانداری رفتنه  
تبارغ فرماندار طاکه کنند . وقتی تعاینده کان شوراها  
بعزمانداری رفتند ، فرماندار آتشگاه بیرون اینجا رسیدند  
به اداره آموزش و پرورش رفتند و وقتی به آنجا رسیدند  
دانش آموزش صریح مذکور شد که در دنی ولی اوهم به طبت  
کمیون بود جلد وقت قول نکر که سرویس رایلان شود  
و چند هفته از این اعتراض می کنند و لیکن هنوز  
سرویس نداده اند و مراهم شروع شده است و دانش -  
آموزان که از جاهای دیگری آیند منتظر جواب خواسته اند  
پیشان هستند .

## نکیده تجیی کرامتی :

دانش آموزان کلامه و مجموع مجتمع آموزشی  
عالیان ، در سرکلاه تعلیمات دینی به مرسلی اصله  
رسایش دارند رسک که اداره گذاره اینجمن اسلامی است  
اعتراض می نمایند که جراحته اینجمن ایلا می  
اعلامیه های داشت آموزان والزوی دیوارها راه -  
می کند . همچنین آنچه تعاینده هایی که اینجمن  
السلامی به اسم دانش آموزان تعیین کرده ، اعتراض  
می نمایند وی نکند آنها منتخب واقعی محلمین  
نمیشوند .

مرسلی اصل ، ادعایی کند که چون امکان دارد  
دانش آموزان کوئینتها را انتخاب گند از این  
روانیم اسلامی برای آنان تعاینده انتخاب کرده -  
است . دانش آموزی پایخ من دهد ، در هر صورت  
هر کس را که دانش آموزان انتخاب گند ، تعاینده واقعی  
لایه خواهد بود . مرسلی که جواب نداشت من گوید  
از مرکز به ما پیغام دستور اداد آنکه داشت آموز -  
مد ذکر صحابی متعدد وی نیز : مرکز طلطک کرده است  
که دستور اراده تعاینده در پیش انتخاب کنید .

در اینجا مرسلی که چون از معلمی نیزه رهبره حصایقی  
می شود و بدادران فحش های ریک میورد ازد . و شروع  
به سفطه و هوچنجال می گذارد : ششه رهبر  
انقلاب می گویند غلط کرده است ( ) . اوضاعی  
کنک زدن دانش آموزانی کند ، امامی ترمی و از کلاس  
سخون می روید چیز ایچچه دقتیه این دانش آموز  
راه دفتر احتمار می کند . درد فتر مد بر مدرسی  
با اوضاع می کند . ولی چون مرسلی اصل می بینند  
اوضاع بتفت اینست ، مدیرات تهدید می کنند که اگر شما  
اندامی نکنید ، من از یاره سهاد پامداران تحریم  
خواهیم داد . دانش آموزان که این وضع را می بینند  
در سرکلاه شروع به شماره دادن می کنند ، آنسان  
فریاد می زنند ، ساوان و سما ، ارتیاج دشمنان



۶ - مخواهان می گردند سرمهیه ها و صنایع و استهان  
به منظور رفع سلطه بیکاری ، هستم .

۷ - حمله به اجتماعات دانش آموزان تهران و شهر -  
ستانی در روزهای اخیراً محکوم شده و خواهیان  
ستگیری و مجازات ممیین حملات هستم .

۸ - امدادگاری برای کله بیکاران در سراسر کشور .

۹ - طعن شد تهریه مدارس ( شاه ) در سراسر  
کشور .

۱۰ - آزادی فعالیتی های سیاسی و آموزشی در طبع  
مدارس در حین راهیه ای این شعارهای اداره میشند :

" اتحاد ، اتحاد علیه سرمهیه راز " - " کاربرای بیکار  
ایجادگاری باید کرد " - " ارتیاج ، ارتیاج پکشی نایاب  
باد اقلاب ، اقلاب ، اقلاب همیشه پیروزیاد " - " اسد در  
ایوند ، دشمن سرمهیه دار " .

هنرجویان هنرستان شماره ۲ همچنانکه قبله نیز

گفته شده بود ، با اکنون دیربر ( رسم فتن و فیزیک )

و امکابات درزشی مواجه هستند .

## لول :

## محب تبریزی :

دیرستان مجتمع آموزش اردبیل کمیوتی بش

ساخته است . دریکی از نقاط نسبتاً در اردبیل

قرارداد ، دانش آموزان این مدرسه بعلت دروی راه

و اینکه از اخواته های رحمنک هستند و نمی خواهند

کرایه ماشین بیرون ازند ، خواستار سرویس رایگان

شده اند که بیک ماه است خبرنیشند ماست . شوران

مدرسه که از تعاینده کان دانش آموزان هر کلاس ششکل

شده قرارگذشتند که اگر تا تاریخ ۶/۲/۵۸ به آنها

سرویس رایگان داده نشود ، تمامی دانش آموزان .

تعصی کنند و وقتی که تاریخ فوق رسیده و خواسته -

بنان تعجبی نکردند در دیرستان تظاهرات

برای کردند بیاندارهای ( یادنگاری مدرسه پیسا )

سرویس رایگان ، شهریه مدارس پیر را اخت باید کرد )

# خبرنامه مبارزات دانش آموزی



تئنه

خبرنامه

در راه اخیرتازگر دانش آموز از کلاسهاي اقتصاد ظاهري، دستبه اعصاب زده و معلم راسکلاس درس راه تهدید هند، آنها هدف خود را اعصاب و خواستها بخان را را طلا عهه اهي بدین شرح به دوباره درمه زده بودند:

مسار دانش آموزان کلاس سوم اقتصاد ظاهري روز يكشنبه ۵۸/۸/۲۷ دستبه اعصاب زده و خواستها برآوردهند خواستهاي اينديزيرفت معلمین محترم به سرکلاس درس مدد هم.

خواستهاي طلاب دین سرح است:

۱- ايجاد فضای دمکراتيك در درمه.

۲- دادن کارت آنبوش در درمه.

۳- روش شدن وضع شهريه و دبیره روش که تاکسون روش نشده است.

۴- کوتاه کردن دست انجمن اسلام از مائیل سعادت دبیرستان.

این اعصاب پس از چند روز شکسته شد و پس از قول نایابنده "همين کلاس (که از جهه هاي پيشگام است) اعصاب با پيروزی پايان يافت. ولی در

حقیقت اینطور نیست و متولین دبیرستان صرفما

به دادن کارت آنبوش (که در درمه درمه ای یک اسر عاده است) اكتبه کرده اند. وضع موجود در دبیرستان

کوچکترین تغییری نکرده است. این عمل انقلابی که نایابنگر، انتشار سجه هاي اين کلاس (نه صراحتاً

جبها) و شاید اکثر شاگردان دبیرستان است. بعلت بودن سازماندهی صحیح و ندانش آنگاهی انقلابی و درستیجه از این نایابنده کلاس را شکست

نمایه شد.

۵۸/۸/۲۸ - گروهي از دانش آموزان دبیرستان الا دپيوش در راهبههای دبیله های بیکار شرکت نمودند بعد از ظاهري هم بخاطر اعتراض به حمله ارجاعیون به دانش آموزان دبیله های بیکار در حمله دبیرستان متحصن شدند.

دبیرستان محیه متحصن شدند (بروجرد)

۵۸/۸/۲۹ - اکریت قریب با یافاق دانش آموزان این دبیرستان، ابتدا در حمله دبیرستان کوچه و در رسمیت خود این شعبادر مدد اراده (اتحاد، اتحاد، محصلین اتحاد) و بعد از جمیع در دبیرستان شریعتی و دادن شعار "ارتجاع، ارجاع، حاسی سرمایه دار" به قصد پشتیبانی از دبیله های بیکار متحصن در آموزش پیروزش دبیرستان را ترک کردند.

## خبرنامه

### خبرنامه

۵۸/۸/۱۳ - گروهي از دانش آموزان این دبیرستان بخاطرگاه مدد اراده، شعبداری دانش آموز و دانشجو ۳ آبان به طرف دبیرستان ناکر شرمنی رفته و در رسمیت خود این شعبادر مدد اراده (اتحاد، اتحاد، محصلین اتحاد) و بعد از جمیع در دبیرستان شریعتی و دادن شعار "ارتجاع، ارجاع، حاسی سرمایه دار" به قصد پشتیبانی از دبیله های بیکار متحصن در آموزش پیروزش دبیرستان را ترک کردند.

۵۸/۸/۱۶ - تحصن بخاطر هجوم فانهمیتی جمای دبیرستان به دبیله های بیکار متحصن در داده کسترنی همچنان بخاطر پیشنهاد از دبیله های داده داشته و در ضمن آن شعبادرهاي "کاربرای بیکار" ایجاد یافتد. گردن "داده" مدد و دروغ اعلیه های خوانده شد، بیعتوان مثل اعلیه های از دانش آموز دبیرستان آزاد پیش به دبیله های متحصن در آموزش صورت پیوستند و قطع منابع ای بدین خصوص خوانده شد و در آخر شعار داده شد "آموزان سلمان خوانده شد و در آخر شعار داده شد "اتحاد پیروز است، ارجاع نایبد است" و سکوت مقامات، تائید ارجاع است". آنگاه در ساعت ۱۱ بامروزه "اتحاد، اتحاد" تحصن خود را ایمان داده و دبیرستان را ترک کردند.

## خبرنامه

### خبرنامه

۵۸/۸/۲۸ - گروهي از دانش آموزان کلاس های چهارم دبیرستان دخترانه شهرزاد خواسته

حدف در روزن زانکي که پارسال حذف و اساس اراده

آنها را کتابهاست بودند. در ساعت ۱۱ شروع به

تظاهرات و دادن شعار "مرد براين سیستم آموزشی

ضد خروج از درمه و راهبههای بطرف وزارت آموزش

صورت را کرده که مدیره درمه ایوان کارگلگری

کرد و فالانقضای درمه به دادن شعار "تمثیل

مدارس توکله مدارس توکله آموزی کاست" پرداختند

در همین موقع دبیرستان پیمانه ممتازخان به جلوی در

درمه آمد و می خواستند باداش دانش آموزان کلاس

چهارم بطرف وزارت آموزش پیروزش راهبههای کرده با

رجایی دیدار کنند که امام زاده این کارعلی شد

وی در روز اخراجه و قتل نایابنده ای دو در

## خبرنامه

### خبرنامه

۵۸/۸/۵ - ساعت ۵/۴ بعد از ظهر پیروزه ایش آموزان دبیرستان دبیله های بیکار پیروزه ایش آموز حیاط تحصن نمودند و شعبادر مدد اراده شد. کاربرای بیکار گردید "عالی هر بیکاری نایبد گردد". البته در این میان همه ای از دشمن آموزان ناکام و همچنین معافون و تعدادی از دبیرستان پیشنهاد ایش آموز ایش آموز را ترک کردند.